

سیاسی

سرمقاله

غلط‌اتفاقی

محمد حسین عظیمی

۱. سال ۸۹ بود. برای جشن عید غدیر یک گینه ای تازه شیعه شده را دعوت کرده بودیم دانشگاهمان. قبلاً وهابی بود و بعد از اینکه شیعه شده بود آمده بود قم برای طلبگی. قبل از سخنرانی رسمی چند بار در جلسات خصوصی ازش سوالاتی پرسیدم. یکی از سوالات این بود: تحولات ایران چقدر بر روی مردم منطقه تأثیر می گذارد؟ جوابش خیلی تحت تأثیر قرارم داد. گفت: خیلی زیاد. وقتی در سال ۸۸ در ایران آن اتفاقات افتاد همه نگران شده بودند. بسیاری از اهل تسنن و حتی وهابی ها به من تماس میگرفتند و میگفتند ایران چه خبر است؟ اگر در ایران اتفاقی بیفتد، اسلام نابود میشود. میگفت: اگر بلایی سر ایران بیاید، اسلام نابود خواهد شد؛ اسلام نابود خواهد شد.

۲. توافق ژنو که تصویب شد، کوبا اعلام کرد که روابطش را با آمریکا بهبود خواهدبخشید. افغانستان ناهم نامه ی ادامه ی حضور آمریکا در کشورش را امضا کرد و بعد از لوزان و برجام هم کلی از این دست اتفاقات افتاد که یک نمونه اش تصرف استان عدن در یمن توسط عربستان بود.

۳. سال گذشته بود که بعد از سخنرانی جنجالی رییس جمهور و حواله ی دلوالپسان به جهنم، ابوطالبی (نماینده ی پیشنهادهای ایران در سازمان ملل که با مخالفت آمریکا مواجه شد) در یادداشتی در توئیتر شخصی اش نوشت: مهم‌ترین بخش سخنان رییس جمهور در این سخنرانی «به جهنم» گفتن نبود بلکه این جمله بود که میخواهیم با همه دنیا -حتی آنهایی که قبلاً با هم دشمن بودیم- روابط دو جانبه و از سر احترام داشته باشیم.

همین جناب ابوطالبی چندوقت بعد نوشت:برخی به اشتباه توافق هسته ای را با داده ها و ستانده هایش میسنجند. در حالیکه مهم ترین دستاورد توافق هسته ای، نه در متن توافق که در عادی شدن رابطه با آمریکاست.

این حرف را چند روز بعد از لوزان یکی از مسئولین ارشد وزارت خارجه در دیدار خصوصی با مطبوعات اصلاح طلب گفت.

۴. روزی که خبر مکالمه ی تلفنی روحانی - اوباما رو شنیدیم،بروزی که تصاویر پیاده روی کسری - ظریف رو میدیدم،بروزی که خبر دیدار مثلاً اتفاقی ظریف - اوباما در راهروهای سازمان ملل را خواندم، به تنها چیزی که فکر میکردم،همین بود.

همین که الان ملل مسلمان و آزاده ی جهان چه فکر میکنند؟ فکر می کنند ایران انقلابی هم تمام شد؟ فکر میکنند جمهوری اسلامی که روزگاری چشم امید ملل آزادی خواه بود هم به دامن آمریکا رفت؟ فکر میکنند که علمدار استقلال خواهی و شعار نه شرقی نه غربی هم بالاخره به سمت غرب غش کرد؟!

واقعیتش هم همین است، ملل آزاده ی جهان وقتی این اخبار ناگوار را میشنوند یا می بینند یا می خوانند ته دلشان می لرزد، نوجوان یتیم بمبی، پدر دختر از دست داده ی فلسطینی، جوان به استتمار گرفته شده ی آفریقایی وقتی این اخبار را میشنوند ته دلشان میلرزد که جمهوری اسلامی حامی حقوق مستضعفین، جمهوری اسلامی ایستاده در برابر مستکبرین هم بالاخره تسلیم شد؟

۵. رهبر انقلاب در تبیین ضررهای ناشی از مذاکره با آمریکایی ها افزودند:این کار ما را در افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌ها به تذبذب متهم می کند و غربی‌ها با تبلیغات عظیم خودشان، جمهوری اسلامی را دچار انفعال و دوگانگی جلوه می‌دهند.

ایشان همچنین ضرر دیگر نشست و برخاست با آمریکا را ایجاد زمینه برای طرح توقعات جدید از سوی آنها دانستند.

(دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب؛ ۹۳/۵/۲۲)



چند روز پیش خبری در خبرگزاری های سیاسی اجتماعی منتشر شد که در هیاهوهای سیاسی برجام مورد غفلت واقع شد و آن چیزی نبود جز آخرین مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در بررسی طرح «رسیدگی به اموال مسئولین».

این طرح نزدیک به ۹ سال در مجامع قانونگذاری کشور دست به دست چرخید و به انحاء مختلف پاس کاری شد تااینکه در نهایت در روزهای اخیر بررسی آن به نقطه نظر خاصی رسید. نقطه ای که دقیقاً خلاف مشی آرمان های انقلاب و سیره ائمه (س) بوده است. مجمع تشخیص مصلحت نظام تا دو هفته گذشته مردد بود که اعلام اطلاعات داریی‌ها در حد خود اظهاری باقی بماند یا به اطلاع عموم برسد. محسن رضایی، دبیر مجمع در نشست خبری دو هفته پیش گفته بود: «بررسی این موضوع که رسیدگی به داریی مسئولان کشور در حد خوداظهاری بماند و به اطلاع عموم برسد یا نه، به جلسه بعد موکول شد». بعد از دو هفته، اما اعضای مجمع به نتیجه رسیدند که اطلاعات داریی‌های مسئولان نه تنها نباید به اطلاع عموم برسد، بلکه افشای آن محرمانه است و مجازات در انتظار افشاکندنگان سهوی و عمدی آن خواهد بود. این مصوبه اعلام می‌کند فهرست داریی‌های و اسناد و اطلاعات مربوط به آن به جز در مواردی که در این قانون و آیین‌نامه ذیل آن تعیین شده، محرمانه است و هریک از مسئولان و کارکنان که حسب وظیفه مأمور تهیه، ثبت، ضبط و حفظ فهرست داریی‌های افراد مشمول یا اسناد و اطلاعات مرتبط با آن هستند یا برحسب وظیفه اسناد مذکور در اختیارشان قرار می‌گیرد، اگر عالماً عمداً مرتکب افشا یا انتشار مندرجات این اسناد شوند یا خارج از حدود وظایف اداری، آنها را در اختیار دیگران قرار دهند یا به هر نحوی دیگران را از مفاد آنها مطلع کنند، به یکی از مجازات‌های درجه شش مقرر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم خواهند شد.

بازی با سرنوشت ملت در روز روشن

آقای لاریجانی! قواره اندازه گیری تان را تغییر دهید

رای مجلس مخدوش است

دولت و آقای لاریجانی در طول ماه‌های گذشته مواضع متعددی در برابر خود داشتند تا بتوانند فرزند ناقص الخلقه ای به نام برجام را از دل مجلس سالم بیرون بکشند. دولت علی رغم تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر عبور برجام از مجاری قانونی و بررسی دقیق آن، حاضر به ارائه لایحه نشد. برای روحانی و لاریجانی هیچ جای تردیدی باقی نمانده بود که برجام به دلیل نقض اصول متعدد قانون اساسی و عدم رعایت خطوط قرمز نظام در آن، اگر به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی و بعد از آن به شورای نگهبان ارائه شود، هرگز نمی‌تواند مهر تأیید این مراکز را به دست آورد. بنابر این تنها چاره را در اصرار بر قانون شکنی عدم ارائه لایحه برجام و تأیید ضمنی آن در سایه یک طرح کلی و بی‌خاصیت دیدندا.

درهفته‌های گذشته در حالی که کمیسیون ویژه برجام در حال نهایی کردن گزارش خود بود، زمزمه تهیه طرحی در مجلس شنیده شد که بر اساس آن، مجلس شورای اسلامی به دولت اجازه می‌داد تا برجام را مشروط به رعایت شروطی اجرا کند. این طرح با عنوان «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی در اجرای برجام» که مورد حمایت و نظر رئیس مجلس بسود، آنقدر در جلوگیری از منتهزهای نفوذ برجام بی‌تأثیر بود که وندی شرم‌ن برایش کف زد و به استقبال آن رفت و اعلام کرد که طرح یک فوریتی مجلس ایران، نیاز کاخ سفید را برآورده می‌کند و هیچ ضرری برای برجام ندارد. هفته گذشته اما در روند بررسی این طرح به دلیل مدیریت نادرست و غیر قانونی رئیس مجلس، نه تنها فضای مجلس، ملتهب، بلکه به دلایلی که گفته می‌شود، در نتیجه آرای کسب شده برای طرح «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی در اجرای برجام» می‌توان

تردید و تشکیک کرد:

***یکم:** یکشنبه دو هفته قبل، بلافاصله بعد از قرائت گزارش دقیق و آسیب شناسانه کمیسیون ویژه برجام، رئیس مجلس طرح مورد نظر خود که در ظاهر شروطی برای برجام تعیین می‌کرد اما در واقع هیچ تأثیری در آن نداشت را با دو فوریت مطرح کرد تا در ۲۴ ساعت بتواند سر و ته موضوع را ببندد. آقای لاریجانی در روزی که قرار بود فوریت این طرح را به رأی نمایندگان بگذارد، در اقدامی غیرقانونی حدود یک ساعت در جلسه غیر علنی و غیررسمی به تعریف و تمجید و توجیه این طرح و ضرورت بررسی فوری آن پرداخت. در حالی که مطابق آیین‌نامه، موافقان و مخالفان هر طرحی تنها می‌توانند پنج دقیقه نظر

زمانیکه مصلحت نظام، بر صورت مصلحت انقلاب خاک می‌باشد!

محمدجهانبخش

وقتی شکل حکومت چنان شود که عده‌ای از خواص برایشان حریم‌های خصوصی جدای مردم شکل بگیرد به نحوی که رصد و نظارت بر آنها نه تنها برای مردم ممکن نباشد بلکه جرم تلقی گردد چگونه باید پیرامون عدالت اجتماعی و حکومت علوی که شیرازه انقلاب اسلامی است، نگران نباشیم؟

باید در حقیقت چنین گفت که این مصوبه مجمع تشخیص، نه تنها به مصلحت نظام نبوده بلکه فقط و فقط به مصلحت مسئولین و حاکمانی است که از افشای اموال و داریی‌هایشان برای مردم بیم دارند؛ و باید از آنها پرسید مگر در طول مدیریت و مسئولیتتان چه چیز و چقدر جمع نموده اید که از افشای آن برای مردم بیم دارید و برای آن و برای حفاظت از آن قانون تصویب می‌نمایید؟

وقتی رهبری سخن از استحاله انقلاب می‌گویند و می‌فرمایند دست‌هایی هستند که می‌خواهند از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی فقط اسمی باقی بماند و می‌خواهند محتسوا و آرمان و اهداف این انقلاب را تهی نمایند، فقط مسئله برجام نیست بلکه مهمتر از آن تصویب چنین قوانینی را نیز دربر می‌گیرد. قوانینی که نه مصوب و تحمیل شده از جانب اجانب و دشمنان بلکه تحفه‌هایی است که از خودمان بر سر خودمان می‌آید.

«دولت خدمتگزار، قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی، به مردم پاسخ دهند که آنچه به عنوان شعار کار خود بر زبان آورده اند و هم چنین آنچه مطالبات عمده رهبری در این سال‌ها بوده است، چگونه تحقق بخشیده‌اند. مسئولان دولتی و قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی به مردم بگویند که برای خدمت به عموم ملت ایران، برای تولید علم، برای استقرار عدالت و رفع فقر و فساد و تبعیض در جامعه، برای نهضت عدالت خواهی و برای نهضت مبارزه با فساد، چه اقدامات عمده‌ای را انجام داده‌اند» (مقام معظم رهبری - نوروز ۹۳)



باید در حقیقت چنین گفت که این مصوبه مجمع تشخیص، نه تنها به مصلحت نظام نبوده بلکه فقط و فقط به مصلحت مسئولین و حاکمانی است که از افشای اموال و داریی‌هایشان برای مردم بیم دارند؛ و باید از آنها پرسید مگر در طول مدیریت و مسئولیتتان چه چیز و چقدر جمع نموده اید که از افشای آن برای مردم بیم دارید و برای آن و برای حفاظت از آن قانون تصویب می‌نمایید؟

وارد شده ام و بار و بنه ام همین است که می‌بینید. اگر از سرزمین شما خارج شدم و چیزی اضافه بر آنکه اکنون می‌بینید در اموال من بود بدانید من خائن هستم» (ابن شهر آشوب -۱۳۷۹)

حال عده‌ای شعار مدیریت علوی را سر می‌دهند قانونی تصویب می‌کنند که موجبات استحاله انقلاب را با تشکیل یک طبقه اجتماعی از مسئولان و حاکمان و صاحب منصبان فراهم می‌آورد. **وقتی یک منطق ضد اسلامی بر یک جامعه اسلامی حاکم شود، وقتی احکام اساسی اسلام را به بهانه مصالح نظام تعطیل و گاه ذبح نماییم چگونه باید به آینده آرمان‌های انقلاب امیدبیندیم؟**



غیر علنی پذیرفتند که هیچ پیشنهادی مطرح نشود و هیچ مخالف و موافقی صحبت نکنند!

***چهارم:** در جلسه غیرعلنی غیر رسمی، وقتی آقای لاریجانی بر جمع بندی کشور(!) روی طرح خودشان تأکید داشتند و این اقدام را مورد توافق دو فرآکسیون اصلی مجلس معرفی می‌کرد... تعدادی از نمایندگان با صدای بلند اعتراض می‌کردند. در میان نمایندگان معترض با اصرار زیاد بنده و آقای کوچک زاده موفق شدیم تا از تریبون فرصت اظهار نظر پیدا کنیم. هر دوی ما نسبت به این موضوع که چرا مسأله را به رهبری منتسب می‌کنند اعتراض کردیم حتی آقای لاریجانی در پاسخ به اصرار آقای کوچک زاده که «آیا این مطالبه رهبری است؟ صریح بگویید تا همه ما تبعیت کنیم»، گفت: «بله همان کسی که خودتان می‌دانید»! و پس از آن آقای باهنر به کوچک زاده مراجعه می‌کند و می‌گوید که این تصمیم، شب گذشته با نظر آقایان لاریجانی، شمخانی و حجازی این تصمیم گرفته شده است و این نظر رهبری است، تشنج نکنید!

***پنجم:** با عملیات روانی صورت گرفته بر نمایندگان درساره طرح مورد نظر آقای لاریجانی، از مجموع ۲۵۰ نماینده حاضر، ۱۶۱ رأی موافق، ۵۹ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع بودند یعنی بر خلاف کلیات که با اختلاف رأی اندک تصویب شد، جزئیات آن با اختلاف ۳۶ رأی به تصویب رسید. نگاهی به اختلاف آراء در سه رأی گیری صورت گرفته، نشان می‌دهد که الفای خبر نادرست موافقت رهبر معظم انقلاب با طرح مذکور و یا حداقل عدم مخالفت ایشان با این طرح در زمان بررسی جزئیات طرح، اولاً باعث انصراف نمایندگان از پیگیری پیشنهادات آنها می‌شود و ثانیاً باعث تغییر رأی آنها می‌گردد به طوری که از ۱۰۰ نماینده مخالف کلیات و اصل طرح، فقط ۵۹ نفر مخالف جزئیات باقی می‌مانند.

***ششم:** آقای لاریجانی به هر شکل بود فرزند ناقص الخلقه برجام را از دل مجلس بیرون کشید. هر چند برجام همچنان غیرقانونی است و هر اقدامی در اجرای آن، نقض اصول متعدد قانون اساسی است، اما این اقدام وی با استقبال اعضای ۱+۵ و تیم مذاکره کننده دولت مواجه شد. دولتی‌ها که با قانون شکنی و عدم ارائه لایحه توافقنامه برجام و کمک آقای لاریجانی توانستند حرفشان را به کرسی بنشانند، مدیریت او را بی سابقه و عین دموکراسی (البته از جنس دموکراسی‌ای که خودشان معتقدند) دانستند. اما ۲۴ ساعت پس از طرح این ادعاها و انتساب برخی مطالب به بیت رهبر معظم انقلاب، دفتر مقام معظم رهبری با بررسی ابعاد مختلف قضیه، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که ادعاهای مطرح شده در صحن مجلس مبنی بر دخالت اعضای دفتر رهبری انقلاب در روند تصمیم گیری نمایندگان کذب است.

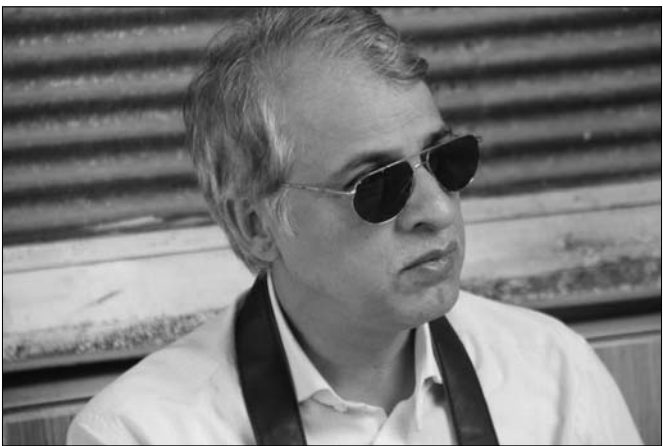
بنابر این هر چند در آیین‌نامه داخلی مجلس برای چنین مواردی، پیش بینی خاصی صورت نگرفته - و البته تاکنون نیز چنین رفتاری در مجلس سابقه نداشته - اما حال که واقعیت روشن شده، نباید تردید کرد که رأی اخذ شده برای طرح «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام» به دلیل نقض قسم نمایندگی و نقض قسم اعضای هیأت رئیسه و نقض قانون آیین‌نامه داخلی در جلوگیری از ارائه پیشنهادات بهتر نمایندگان و جلوگیری از بیان نظرات مخالف و به دلیل ارائه اطلاعات غلط و مغشوش به نمایندگان، رأی‌ای مخدوش، غیر قانونی، غیر شرعی و غیرمنطقی است و لازم است رئیس مجلس با شجاعت اشتباه خود را بپذیرد و مجدداً بر اساس ساز و کار موجود در آیین‌نامه، به اصلاح آن بپردازد.

***هفتم:** شاید گفته شود که اگر اشکالات مطرح شده به جا و درست است، پس چرا شورای محترم نگهبان به تصویب این طرح اقدام کرد؟ پاسخ روشن است، وظیفه شورای نگهبان تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی است نه با آیین‌نامه داخلی مجلس یا تطبیق با اینکه رأی اخذ شده در مجلس بر اساس ارائه اخبار صحیح به نمایندگان بوده یا ارائه اطلاعات و اخبار غلط و مغشوش.

قسمتی از یادداشت حمید رسایی نماینده مجلس در سایت شخصی اش

نابودی هویتی به مساحت ۵۷۰۰۰۰ متر مربع

چند وقتی بود که صدای مردم قصد آنرا داشت تا از برخی فجایع رخ داده در بافت تاریخی شیراز توسط عده ای پرده برداری کند. در راستای تحقیقاتمان با فردی آشنا شدیم که به خوبی عطش پرسش‌های ما را پیرامون این موضوع فرو نشاند: دکتر غلامحسین معماریان، فوق لیسانس معماری از دانشگاه جنوای ایتالیا و دکتر از منچستر انگلستان و استاد دانشگاه علم و صنعت، دعوت ما را برای گفتگو پیرامون بافت فرسوده شیراز و اتفاقات رخ داده در آن پذیرفت؛ ایشان سخنان ناشنیده بسیاری داشتند؛ مشروح مصاحبه در ادامه می‌آید:



صدای مردم: در ابتدا لطفاً راجع به طرح توسعه حرم شاهچراغ برایمان بگویید جناب دکتر

درباره‌ی از سفرهای زمان ریاست جمهوری جناب آقای دکتر احمدی نژاد که آمدند شیراز از ایشان برای گسترش و توسعه حرم به ۵۷ هکتار بدون نظر شورای عالی شهرسازی یک تاییدیه کلی گرفتند. (از شاهچراغ تا پشت آستانه)، خیابان ۹ دی هم یک بخشی از همین اجرای طرح بود. شورای عالی شهرسازی هم که دست خودشان بود. آقای نیک زاد وزیر مسکن بود و این طرح را بصورت کلی تأیید کرد اما این طرح بصورت مصوبه اجرایی در نیامد.

صدای مردم: در مورد طرح ۵۷ هکتاری بیشتر توضیح می‌دهید؟

میراث فرهنگی از بنده و تعدادی از دوستان بعنوان اساتید دانشگاه دعوت کرد در یک جلسه و اعلام کردند که یک طرح جامع شیراز داریم و در آن طرح تفصیلی بافت تاریخی لحاظ شده شما نظراتتون را بفرمایید. ما رفتیم شورای عالی بافت و گفتند آقای دکتر شیخی رئیس طرح است. نقشه را گذاشتند روی میز، دیدیم دور ۵۷ هکتار از بافت تاریخی شیراز را فرمز کردند! بهشان گفته شده بود که شما در این طرح (۵۷ هکتار) دخالت نکنید. این دست یک شرکت دیگر است! سوالی که ما از آنها کردیم این بود که مگر می‌شود ۳۰۰ هکتار را در نظر بگیرد و ۵۷ هکتار از قلب آنرا جدا کنید و بگویید شما حق ندارید بر روی این قسمت کار کنید؟! به آنها اعتراض کردم و ایراد دیگری که گفتیم این بود که لبه‌های بافت تاریخی را کردند ۶ طبقه که شده مثل یک قلعه تجاری و این درست نیست و برخی جاها را با لکه زرد نشان داده بودند که این‌ها بی ارزش است!!!

گفتیم این که نمی‌شود بگوییم این‌ها بی ارزش است، این کوچه با ارزش است، کوچه هم جزء آثار است یعنی بخشی از تعاملات اجتماعی گذشته در کوچه‌ها

اتفاق می افتاد و نمی شود گفت چون کوچه یک معبر عمومی است خرابش کنیم. ایراد دیگر اینکه حریم بنای تاریخی مشخص نبود؛ یک خانه اگر بنای تاریخی باشد تا چند خانه حریم دارد. در حریم شما باید قوانینی مانند ۲ طبقه بیشتر نسازی، مرتفع تر از حدی نشود، بدنه سازی (نما) را اگرهم تخریب شده باید طرح اجرایی مرمت همراه همسو باشد و... این‌ها را ایراد گرفتیم بهشان. بعد از آن جلسه دولت تغییر کرد و دیگر هم از ما دعوت به عمل نیامد.

از آن جمع دانشگاهی من نظراتم را تهران دادم و کتابا برای آقای علویان صدر (معاونت میراث فرهنگی کشور در دولت دهم) فرستادم که این کار شما درست نیست، این ۵۷ هکتار باید با کل بافت دیده شود. این تذکرات را گوش نکردند تا وقت ساختن خیابان ۹ دی رسید که به ما خبر تخریب دادند.

صدای مردم: طرح توسعه حرم چه مشکلی دارد؟

شاهچراغ آمد میدان شهری یعنی میدان احمدی را برداشت برای خودش و کرد بنا و حالا به سمت مسجد نو هم دارد توسعه میدهد. این طراحی مشکل دارد، امروز فکر می‌کنند باید این را بسازند و فردا فکر می‌کنند یک چیز دیگر و تغییر می‌دهند و اصلاً باهم هماهنگی ندارند و بدتر آنکه طرحی ندارند. ببینید مهم ترین بخش در مکان‌های مقدس قبله است، قبله در شاهچراغ به سمتی است که آنجا یک بازار است با یک راه ورودی و از یک سمت دیگر ختم میشود به بازار؛ از یک سو ختم می‌شود به پارکینگ و مجتمع تجاری بین الحرمین. مکان‌های مذهبی باید به سمت قبله توسعه پیدا کند چون وقتی می‌خواهند برای نماز بایستند به سمت قبله می‌ایستند. حالا در وضعیت فعلی در سمت قبله سرویس‌های بهداشتی هست! که در سر در ورودی سرویس‌ها کتیه قرآنی می‌چرخد. وقتی عرض میکنم

فکر شده نیست یعنی این. این دارد نشان میدهد که این دوستان فکر نکردند. به طرح بصورت روزانه فکر میشود و بعد از تخریب و هزینه کردن متوجه میشوند که در این راستا نباید ورودی میساختند یا نباید گذر میساختند. الان چند میلیارد هزینه این سر در هایی بود که خراب شد؟ سوال ما از متولیان امر این است که چند صحن می‌خواهید شما برای شاهچراغ تا مشکلاتتان حل بشود؟ ۲ صحن ۵۷ هکتار یعنی ۵۷۰ هزار متر مربع.

صدای مردم: ما با یکی از اعضای محترم شورای شهر شیراز صحبت می‌کردیم ایشان میگفت: ما می‌خواهیم حرم را گسترش بدهیم اینطوری که هرکس که نمی‌تواند برود مشهد بیاید شاهچراغ. این توجیهات مذهبی است. امام رضا(ع) در دل مردم چیز دیگری است و نمی‌توانیم ما که امام معصوم را هم شأن امام زاده قرار بدهیم و حالا بگوییم مردم بیایند این‌جا. این‌ها داستان دیگری دارند، این‌ها فکر می‌کنند شیراز را یکباره می‌توانند تغییر فرهنگی بدهند. این کار به این سبک باور کنید یک ضد فرهنگ می‌شود، چون الان یک عده که ضد مذهب و دین هستند آمدند موضع گرفتند که چرا شما نمی‌روید ببینید شاهچراغ دارد چه کارها که نمی‌کنند؟ شاهچراغ را یعنی این همه تخریب را نسبت می‌دهند به شاهچراغ.



را بی هویت می‌کنند. صد سال دیگر هم اگر کسی را بیاورید شاهچراغ به این چیزهایی که در آن ساخته شده نمی‌گوید اثر هنری.

صدای مردم: چرا میراث فرهنگی با این معضل مقابله نمی‌کند؟

میراث فرهنگی ما ضعیف کار میکند. کسانی دیگر تصمیم گیرنده هستند. این کار افراد دل سوزی می‌خواهد که متأسفانه شیراز ندارد.

صدای مردم: شما چه فعالیتهای در مورد حفظ بافت تاریخی شیراز انجام دادید؟

هر جا من در تهران رفتم در مورد تخریب آثار و بافت شهری صحبت کنم من جمله معاون ۲ وزیر به من گفتند بروید به نماینده مجلس تون بگویید و از ایشان بپرسید دارد چه کار میکند! وقتی از معاونین وزرا پرسیدیم چرا نمی‌گویید؟ گفتند یکی از متنفذین سیاسی شیراز پشت ماجرا هستند. ما اول باید آگاهی‌ها را ببریم بالا.

هرکسی که در این شهر روشنگری کند و مبارزه کند با تخریب‌ها سریعاً بر چسب‌های گوناگون ناروا به او زده میشود. متأسفانه سکوت هم در اساتید دانشگاه فراوان است؛ ما تا الان چندین بیانیه دادیم مثلاً دانشگاه علم و صنعت پارسال یک بیانیه داد که جلوی تخریب‌ها را بگیرد. نامه نوشتند به مقام معظم رهبری، با امضای ۵۰ نفر از اساتید. خودم هم تکی نامه نوشتیم به رهبر معظم انقلاب. بعد از نامه‌ها ما را از استانداری فارس خواستند، گفتند یک جلسه بگذاریم با مرحوم جناب آقای مهدی دستغیب و تعامل کنیم. اما جلسه ترتیب داده نشد ولی یک سال تخریب‌ها متوقف شد سال ۹۰-۹۱.

صدای مردم: از نظر شما چه کسانی عوامل تخریب بافت هستند؟

متأسفانه نهاد‌های متولی حفاظت از بافت تاریخی دغدغه تخریب بافت‌ها را ندارند.

صدای مردم: ممنون می‌شوم سخن پایانی شما را بشنوم.

ما در ایران متأسفانه کسی را نداریم که بیاید بگوید من دل سوز تاریخ، دلسوز میراث هستم و معماران را ارج و قرب بگذارد. همه جای دنیا دارند اما یکی از بزرگان مملکت تا حالا خودش را حامی تاریخ نکرده است؛ به غیر از مقام معظم رهبری که ایشان حرفشان راهم جا می‌زند ولی هیچکس گوش نمیدهد. مقام معظم رهبری دستور دادند و در برنامه توسعه هم گنجانند، باید یک کمیته‌ای تشکیل بشود و به معماری ایرانی و اسلامی در شهرداری بپردازد اما در شیراز این کمیته کجاست؟ چرا تشکیل نشده؟ رهبری پارسال فرمودند معماری تهران، معماری وحشی است. چرا به آن سمت حرکت میکنیم؟

اصفهان به اشتباه آمد و سرمایه‌گذاری اش را گذاشت در بخش صنعت، شهرشان نابود شد. در حال حاضر در قسمت آب دچار مشکل هستند و همچنین بالاترین مریضی در سطح استان را دارا هستند. بالاترین ام اس و آلودگی برنج را اصفهان دارد؛ و تاریخ‌شان را همه را نابود کردند. داستان تخریب روی صنعت شان هم تأثیر گذاشت در صورتی که اگر نیروی شان را می‌گذاشتند روی جهانگردی و ایران گردی همان قدر درآمد داشتند و شهرشان هم سالم می‌ماند. شیرازی‌ها خوشبختانه نشد به توسعه صنعتی برسند ولی توسعه فرهنگی شان را هم دارند نابود می‌کنند.

نگذارید این اتفاقات بیفتد. چون آن موقع دیگر نه فرهنگ داریم ونه صنعت. سالی ۳۰۰ هزار توریست می‌آید این جا، آن موقع می‌توانید که چقدر بیانید و می‌دانید چقدر سرمایه آوری میشود. چقدر تولید اشتغال اینجا می‌شود؟ آن غریبی‌هایی که می‌ایند اینجا نمی‌خواهند بیایند مثلاً معالی آباد را ببینند، دوست دارند بروند در کوچه‌های بافت تاریخی و سنتی قدم بزنند و گردش کنند.

صدای مردم: ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

اجتماعی

ما در ایران متأسفانه کسی را نداریم که بیاید بگوید من دل سوز تاریخ، دلسوز میراث هستم و معماران را ارج و قرب بگذارد. همه جای دنیا دارند اما یکی از بزرگان مملکت تا حالا خودش را حامی تاریخ نکرده است؛ به غیر از مقام معظم رهبری که ایشان حرفشان راهم جا می‌زند ولی هیچکس گوش نمیدهد. مقام معظم رهبری دستور دادند و در برنامه توسعه هم گنجانند، باید یک کمیته‌ای تشکیل بشود و به معماری ایرانی و اسلامی در شهرداری بپردازد اما در شیراز این کمیته کجاست؟ چرا تشکیل نشده؟ رهبری پارسال فرمودند معماری تهران، معماری وحشی است. چرا به آن سمت حرکت میکنیم؟

اصفهان به اشتباه آمد و سرمایه‌گذاری اش را گذاشت در بخش صنعت، شهرشان نابود شد. در حال حاضر در قسمت آب دچار مشکل هستند و همچنین بالاترین مریضی در سطح استان را دارا هستند. بالاترین ام اس و آلودگی برنج را اصفهان دارد؛ و تاریخ‌شان را همه را نابود کردند. داستان تخریب روی صنعت شان هم تأثیر گذاشت در صورتی که اگر نیروی شان را می‌گذاشتند روی جهانگردی و ایران گردی همان قدر درآمد داشتند و شهرشان هم سالم می‌ماند. شیرازی‌ها خوشبختانه نشد به توسعه صنعتی برسند ولی توسعه فرهنگی شان را هم دارند نابود می‌کنند.

نگذارید این اتفاقات بیفتد. چون آن موقع دیگر نه فرهنگ داریم ونه صنعت. سالی ۳۰۰ هزار توریست می‌آید این جا، آن موقع می‌توانید که چقدر بیانید و می‌دانید چقدر سرمایه آوری میشود. چقدر تولید اشتغال اینجا می‌شود؟ آن غریبی‌هایی که می‌ایند اینجا نمی‌خواهند بیایند مثلاً معالی آباد را ببینند، دوست دارند بروند در کوچه‌های بافت تاریخی و سنتی قدم بزنند و گردش کنند.

صدای مردم: ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.



تجمع بزرگ امت حزب الله اهواز با هدف بررسی راه‌های جلوگیری از نفوذ دشمن

فریادرسای امت حزب الله و خاموشی نا عادلانه صداوسیما

سعید آتشبار

ما جوانان اهوازی هیچ‌گاه اجازه نفوذ دشمن در بدنه انقلاب اسلامی را نمی‌دهیم.

نویسنده‌ی کتاب عصر امام خمینی خودسازی معنوی و بیداری همیشگی جوانان و امت حزب الله و مسئولین را از مهمترین راه‌های مبارزه با نفوذ سیاسی و فرهنگی دشمن نامیدند. ایشان با اشاره به گزارش سفر یکی از متفکران انقلاب‌های مخملی از دیدار با برخی سیاسیون کشور در سال‌های قبل مبنی بر ناامیدی آنها از انقلاب و خستگی و دلزدگی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، یکی از دلایل برگزاری این تجمع را اعلام وفاداری و حضور در صحنه‌ی مردم انقلابی و اصیل اهواز در دفاع از ارزش‌ها و امید به پیاده‌سازی آنها در سایه عمل به فرمایشات امام خامنه‌ای دانستند.

لازم به ذکر است در پایان این تجمع، بیانیه‌ای در محکومیت راه‌های نفوذ آمریکا در ایران قرائت شد و جوانان نیز با فریاد‌های «الله اکبر، خامنه‌ای رهبر، مرگ بر آمریکا» آن را تأیید کردند.



متأسفانه صداوسیما که از زخمی شدن پا وساعت خواب فوتبالیست اروپایی و از آمار شش قلوهای استثنایی و تبلیغات زندگی شیک مرفه دنیای مدرن که آه محرومان مستضعف جامعه را به دنبال دارد، نمی‌گذرد، هیچ گزارشی از تجمع انقلابی و فرا جناحی و تقویت کنده‌ی منافع ملی مردم اهواز پخش نکرده است تا عدالت رسانه‌ای بار دیگر در غفلت مسئولان رسانه‌ای ذبح شود.

فرمایشات و رهنمودهای حکیمانه امام خامنه‌ای در چندماه اخیر پیرامون خطر نفوذ آمریکا به عنوان استراتژی جدید استکبار در روبرویی فرهنگی و سیاسی با جمهوری اسلامی امت حزب الله را بر آن داشت تا در تجمعی با لیبیک به امام خویش تجدید میثاقی با ارمان‌های ضد استکباری حضرت روح‌الله داشته باشند و مسئولین نظام و به طور خاص دولت را نسبت به دغدغه‌های تیزبینانه امام خامنه‌ای متذکر شوند. خیل عظیم جمعیت هزار نفری را جوانان انقلابی و طلاب و دانشجویان و فعالین مساجد اهواز تشکیل می‌دادند، ولی از نسل اولی‌های انقلابی و حتی پیران عزیز پای کار انقلاب تا خردسالان و نونهالان و جوانان نیز با شور و حرارتی مثال زدن پای منبر نویسنده‌ی کتاب عصر امام خمینی نشسته بودند تا الزامات همراهی در عصر امام خامنه‌ای را بیاموزند. حجت‌الاسلام و المسلمین حاجتی، امام‌جمعه موقت اهواز، در این تجمع به بیان سخنانی پیرامون راه‌های مقابله با نفوذ با دشمن پرداخت.

وی با تأکید بر این که امت حزب‌اللهی خوزستان، هیچ‌گاه از عهد خود کوتاه نمی‌آیند، گفت: این جماعت بیدار و ولایت‌مدار در مسجد ارشاد اهواز جمع شده‌اند تا از صمیم جان با صدای بلند فریاد «لیبیک یا خامنه‌ای» سر دهند و به یقین نیز پای این لیبیک بلند تا آخرین قطره خون خود خواهند ایستاد.

در تجمع بزرگ امت حزب‌الله، جوانان اهوازی با دست گرفتن شعار نوشته‌هایی با مضمون «مذاکره با آمریکا، یعنی باز کردن راه نفوذ و تحمیل»، «هیپات من الذلله»، «مرگ بر آمریکا» و «مذاکره با آمریکا ممنوع است»، اعلام کردند که

عاشورا، از قرائت سیاسی تا عاطفی

سلمان کدیور

هیچ واقعه ای در تاریخ تشیع پر رنگ تر و موثر تر و راهبردی تر از واقعه عاشورا نبوده است. دایره این تأثیر چنان بوده است که هیچ تحولی در جامعه شیعیان رخ نداده و یا هیچ جنبش اصلاح گرانه ای شکل نگرفته، مگر اینکه تمسک به واقعه عاشورا جزء جدایی ناپذیر آن بوده است.

در تمامی طول تاریخ تشیع، واقعه عاشورا با محوریت شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام فصل مشترک تمامی جریان های شیعی بوده است چنان که نه تنها هیچ کدام از این مکاتب نسبت به آن هیچ شک و شبهه و اختلافی نداشته اند بلکه از آن به عنوان ایزاری علیه فشارهایی که از سوی حاکمان، بر آنان وارد آمده استفاده کرده اند.

تمامی جریان های شیعی چه آن زمان که جزء اقلیت های مورد تهدید و شکنجه مذهبی شمرده می شدند و چه هم اکنون که صاحب حکومت و پیروان بسیاری هستند، از هیئات عزاداری در پیشبرد اهداف و آرمان های خود بیشترین بهره را برده اند. تنها تفاوت بهره در بهره برداری از واقعه عاشورا و هیئات عزاداری در نوع قرائت آن در طول تاریخ بوده است به نحوی که می توان آن را به دو نوع قرائت تقسیم بندی نمود.

قرائت اول: سیاسی عدالتخواه:

این قرائت از فردای روز عاشورا در سال ۶۱ هجری، توسط ائمه و علما و بزرگان این مکتب شروع به رشد و نمو پیدا کرد و تا صوفیه ادامه داشت. روح حاکم بر این قرائت همانطور که مشخص است نقد جریانات حاکم و فاسدی بوده است که در تاریخ به حکومت می رسیدند. شیعیان در محافل زیر زمینی و مخفی که «هیئت» نامیده می شد، دور هم جمع می شدند و با ذکر و مرور تاریخ قیام اباعبدالله و انگیزش های آن حضرت در مبارزه با مفاسد حکومتی بنی امیه، به نقد جریان حاکم زمانه خویش می پرداختند و اندیشه های عدالتخواهانه خودشان را تحت اشعار و مرثیاتی اباعبدالله در قالب های شعر، داستان، تئاتر (تعزیه) ، فقه و اندیشه سیاسی نشر می داده است.

نکته جالب توجه این نوع قرائت از عاشورا این بود که علی رغم اینکه مخالفین تشیع با شمشیر و شکنجه و مرگ به نبرد با این مکتب مباردت می کردند، شیعیان از همین ابزار نرم و علمی و عیناً سیاسی برای تبلیغ خویش بهره می برده است و بدون اینکه وارد نبرد نظامی شود، روز به روز به مومنین و معتقدین خویش افزوده و آن را بارور می نمودند.

تمرکز و استمرار بر قرائت سیاسی اجتماعی باعث شده بود که شیعیان به عنوان جریانی اصلاح طلب عدالتخواه با رنگ و بویی سیاسی که داعیه برپایی حکومت علوی دارند، شناخته شوند. این وجه از مکتب تشیع چنان جذابیت و شیفتگی در توده ها و مردم خسته از ظلم و ستم حاکمان به وجود آورده بود که زمینه به قدرت رسیدن صفویان که نخستین حکومت رسمی شیعیان بود را باعث شد.



قرائت دوم: احساسی عاطفی

قرائت سیاسی عدالتخواهانه از واقعه عاشورا، بعد از به قدرت رسیدن شاهان صفوی که حکومتی به نام تشیع برپا کرده بودند، جای خود را به قرائت احساسی تراز دیک داد؛ به حدی که پس از مدتی به طور کامل محو و به فراموشی سپرده شد.

برخی از شاهان صفوی در انحراف فکری و اخلاقی نه تنها چیزی از چنگیز و مغول کم نداشتند بلکه در زمینه هایی از آنان صفاک تر و فاسدتر بودند! اما فقط به این علت که فضای تبلیغ و ترویج تشیع را باز نمودند و آن را به عنوان مذهب رسمی ایران معرفی کردند، مورد توجه بزرگان، علما و هیئات مذهبی قرار گرفتند.

هیئات مذهبی و مداحانی که در طول تاریخشان به سرخی زبان و سرهای سبزه مشهور بودند، نه تنها از مظالم و مفاسد شاهان صفوی و قجری انتقادی نمی کردند، بلکه به این بهانه که این شاهان شیعه هستند، تمامی تلاش خود را برای بقاء و توجیه عملکردشان به کار می گرفتند.

بدون شک ترویج نگاه سنتی و اصیل به مقوله عاشورا تهدید کننده منافع حاکمیت های جدیدی بود که نه تنها سختی با آرمانهای شیعی نداشتند بلکه از شعارهای شیعی برای مشروعیت بخشی به تاج و تخت خویش و سرکوب و کشتار مخالفین سود می بردند.

درست به همین علت بود که آن قرائت سیاسی عدالتخواهانه به کناری نهاده شد و در عوض قرائتی بی خطر و خنثی که منافع هیچ شاه و ظالم و ستمگری را تهدید نمی کرد و هیچ رسالت بیداری بخشی را پیگیری نمی نمود، به شدت ترویج شد. قرائتی که با داستان و افسانه و روایت های مجهول و دروغ که صرفاً برای تحت تأثیر نهادن احساسات توده ها ساخته و پرداخته می شد، روز به روز فریه تر و پیچیده تر گشت.

این سیاست تا جایی در عصر صوفیه و به ویژه در دوران قاجار پیش رفت که سبب همسویی ظاهری حاکمیت با این جریان شد به حدی که گاه بیش از حد مبالغه آمیز می نمود؛ چنانکه دستگاه های حکومتی به تبلیغ و ترویج و تثبیت آن پرداختند.

شاهانی که در خونریزی و صفاکی شهره عصر خویش بودند، حاکمانی که پای ننگین ترین معاهدات خارجی و استعماری را امضا می کردند، نه تنها خود صاحب هیئت و علم و تکیه بودند بلکه با پای پیاده عازم کربلا و مشهد می شدند و مبالغ هنگفتی را برای ساخت و ساز حرم های ائمه شیعیان صرف نمودند.

سید محمد انجوی نژاد:

تعبیر سبک زندگی هیأتی خود نوعی انحراف است

مانده تدرینی

یک پیامک کافی بود تا هماهنگی مصاحبه انجام شود، اما روز مصاحبه مصادف شد با شهادت سردار همدانی و حاج آقا برای تشییع به تهران رفتن تا با چند روز تأخیر مصاحبه انجام بشود. خیلی ساده و صمیمی در دفتر کار همیشگی یعنی حسینیه و این بار حسینیه عاشقان نارالله در حالیکه همه مشغول آماده سازی فضای حسینیه برای مراسم دهه محرم بودند با ایشان گفتگویی داشتیم. صمیمیت و سادگی حاکم بر محیط و صحبت های حاج آقا باعث شد فضا از یک مصاحبه صرف بیرون رفته و تبدیل به گفتگویی چندنفره بشود که در این میان هم گاهاً حرف هایی می زدند که متذکر می شدند منتشر نشود. حجت السلام سیدمحمد انجوی نژاد شخصیتی است که دیگر نیازی به معرفی ندارد، و این روزها در میان همه ناملاطمتی ها و فشارها با صبر محکم پای رکاب انقلاب اسلامی ایستاده است...

صدای مردم: امروز امکان هیئت داری آسان شده است و شاید از نتایج انقلاب باشد. بسیاری از این هیئت ها نه تنها با آرمان های امام و انقلاب قربانی ندارند بلکه با آنچه در این ۱۴۰۰ سال وجود داشت، متفاوت است. انگار با دین مداح محور روپرو هستیم. اولویت ها و سبک زندگی متفاوت با عالمان دین و مردم و اجتماع دارند. اولویت های ادب هیئت داری چیست؟

انجوی نژاد: مردم در طول زندگی برای گذران وقت مفیدشان حول چیزی جمع می شوند، چه مادی و چه معنوی. مردم نیاز دارند که گروه داشته باشند، گروهی دنیایی یا معنوی و اخروی. اگر ما برای مردم به فکر تجمع نباشیم، خودشان جمعی را انتخاب می کنند. می بینیم جمع هایی که به اسم دین کار می کنند اما انحراف دارند، کم نیستند. میان اینها ما جلسات مفید هم کم نداریم. آیا سازمانی وجود دارد که این تجمعات را مدیریت کند؟ این جلساتی که آرمان های انقلاب در اولویت شان نیست، در اولویت اول نقد نیستند بلکه در اولویت اول اصلاح هستند. هر کسی تلاش کند می تواند محور شود، روحانی یا مداح. ما نباید با محوریت مبارزه کنیم بلکه باید روی بهینه سازی کار کنیم. زبان دین که در دست مداح ها افتاده بهتر از زبان دینی است که در دست منحرفان و صوفیان و درویشان افتاده است.

با فشار نمی توان به مردم گفت که حول یک مداح یا حتی یک روحانی جمع شوند یا نشوند. کار فرهنگی نیاز به مهندسی دارد. اینکه یک منبری، متخصص دین یا عالم نمی تواند مردم را دور خودش جمع کند، و ضعف دارد؛ نباید با مداحی که می تواند این کار را انجام دهد و محور شود، مبارزه کند. حالا منبری و مداح چندان اختلاف نظری ندارند، اگر این ها نتوانستند محور شوند،

خب آن شخص مسیحی، بهایی مردم را دور خودش جمع می کند. این قضیه که چرا مداح ها دارند محور می شوند نه روحانی ها از تریبون نماز جمعه دوران آقای خاتمی بود. این مخالفتها در این سال ها چه چیزی را عوض کرد؟ تنها اختلاف روحانیت و مداحان افزایش یافت؛ به گونه ای که اگر در جایی هیئتی باشد از فلان روحانی برای منبر دعوت نمی کنند. به قول حدادیان، کدام محوریت مداح؟ تمام تریبون های نماز جمعه در دست روحانیت است، تمام کلاس های دانشگاه دست روحانیت است، همه چیز دست روحانیت است. حالا

یک مداح گل کرد که نباید او را خاموش کرد. روحانی ما چرا گل نمی کند؟

صدای مردم: بحثی وجود دارد به نام استحاله. کسانی که نماد دین می شوند هر تعریفی که از دین ارائه دهند، برای توده ها پذیرا است. مداح یا منبری زمانی که پرشور می شوند می توانند تأثیراتی داشته باشند.

انجوی نژاد: این با آنچه من گفتم منافاتی ندارد.

صدای مردم: پس می توان نتیجه گرفت اکنون که مداح ها محور شده اند، از ضعف منبری ها است. **انجوی نژاد:** دقیقاً همین است. شما پنج مداح می بینی که مشهور هستند و... اما آن ۵ هزار مداحی را نمی بینی که در حال تلاش بسیار در کف جامعه برای محور کردن خودشان هستند. من آن ۱۰ هزار آخوندی را می بینم که این تلاش را ندارند. زحمتی کشیده می شود که می توانند محور شوند. چیزی داشته اند که توانسته اند خودشان را مطرح کنند. زحمتی کشیده می شود. به این سادگی که نمی شود محور شد. بسیارند مداحانی که با تلاش بسیار بیشتر از پنجاه مستمع ندارند. اینهایی که مطرح و محور شده اند، کار کرده اند. عده ای می گویند که اینها تریبون را مفت به دست آورده اند. چه دلیلی برای این حرف شان دارند؟ این ها کار کرده اند. حداقل این است که مداحان حتی کوبیتی پور و آهنگران هم که در زمان جنگ کل صداوسیما دست شان بود، خودشان، خودشان را مطرح کردند نه صدا و سیما. اما شما چهار تا آخوند مثال بزنید که صدا و سیما مطرح شان نکرده باشد و خودشان توانسته باشند خودشان را مطرح کنند. مداحان ما اینقدر بزرگ می شوند که صدا و سیما مجبور می شود از آن ها استفاده کند اما آخوندهای ما را صدا و سیما دارد بزرگ می کند.

صدای مردم: شاخص های هیئت در تراز انقلاب اسلامی چیست؟ بین هیئت موجود و هیئت مطلوب فاصله است. گاهی در یک هیئت می نشینیم و از خود می پرسیم اگر این هیئت پیش از انقلاب بود همین موضوعات را دنبال می کرد؟ سوال ما این است که بعد از رستاخیز انقلاب اسلامی، چه هیئتهایی شکل گرفت؟ این هیئت ها چه مولفه هایی باید داشته باشند که وجه تمایز آن ها را با هیئت های قبل از انقلاب به خوبی حس کنیم. امروزه در محتوای هیئت های پیش و پس از انقلاب

تفاوت چندانی را حس نمی کنیم. مولفه های یک هیئت بعد از انقلاب اسلامی چیست؟

انجوی نژاد: مولفه های یک تشکیلات مذهبی را روحانیت در حد رهبری و مراجع باید تعیین کنند. ماهمه داریم با سلیقه خودمان کار می کنیم. منبرها باید به روز باشد. روشنگر باشد و علاوه بر مباحث اخلاقی و عرفانی و فلسفی که حتماً لازم هست باید به سخنرانی نیز توجه داشت. در صدی از منبر امروز به مباحث روز بپردازد؛ سیاست، تاریخ، جامعه شناسی و...

زمانی همه چیز یک ملت، مداحی بود اما اکنون به مداحی به عنوان یک نیاز روحی نگاه می کنیم. بعد از انقلاب اسلامی، عزاداری امام حسین بسط بسیاری پیدا کرد. و این بسط زمانی اتفاق افتاد که موج بازگشت رزمنده ها از جبهه وجود داشت. مردم عادت کردند هر شب سینه زنی و عزاداری را در محله های شان راه می انداختند؛ با اینکه پیش از این اصلاً چنین نبود. فرصت خوبی به وجود آمد که گاهی از آن بهینه استفاده نمی شود. وقتی کار گسترده می شود، آسیب های آن نیز گسترده می شود. قدیم می توانستند یک سال کار فرهنگی کنند تا محرم ها هیئتی در خور و عالی داشته باشند اما اکنون هر شب، تعداد زیادی هیئت فعالیت دارند و اینقدر این جلسات جریان دارد که نمی شود متوقف کرد و فکری برای تغییرش داشت.

صدای مردم: حد یقف برنامه های عزاداری چقدر است؟ اکنون برنامه هایی به نام دهه مسلمیه، دهه صادقیه، دهه محسنیه یا حتی برای حضرت ام کلثوم دهه می گیرند. آیا در تاریخ چنین چیزی داشته ایم؟

انجوی نژاد: اولین کسی که به این موضوع اعتراض کرد، من بودم. اما چون شهرستانی هستیم دیده نمی شویم بیشتر تهرانی ها دیده می شوند. اولین اعتراض من برای دهه فاطمیه بود. یعنی اولین کسی که در مسجد خیرات در سال ۸۲ یا ۸۳ به این موضوع اعتراض کرد و برایش شب نامه نیز پخش کردند، من بودم. می می گفتم «دهه» فاطمیه نداریم. مردم می خواهند عروسی بگیرند، دو شب قبل و یک شب بعد از شهادت،



احترام بگذارند و گر نه دهه نداریم. اولین کسی که در شیراز جلوی برگزاری جهلم امیرالمومنین نیز ایستاد من بودم. با اعتراض قضیه را جمع کردم. عده ای می خواهند ۳۶۵ روز سال هیئت داشته باشند. خوب داشته باشند. اما اینکه بیاییم تابلو بزیم، نامگذاری و دهه دهه کنیم، من مخالفم. زیرا وهن است. عموم مردم این را وهن می پندارند. هر چیزی در فرهنگ اسلامی، وهن محسوب شود باید جلویش را بگیرند. سال گذشته دیدیم جهلم امیرالمومنین در شیراز برگزار شد، به نظر من این تیترو وهن بود. می خواهید مراسم بگیرند، خوب بگیرید؛ چرا این تیترو را انتخاب می کنید؟ اما اگر کسی دوست دارد هر شب عزاداری کند، اشکالی ندارد، انجام دهد اما از این اسامی استفاده نکند. همچنین با این نام ها از هیئت استقبال نمی شود. کما اینکه در این شهر ۵ میلیون هیئتی هر شب با ده هزار نفر پر شود، ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر نیامده اند و برای این تعداد وهن ایجاد می شود که این جماعت کیستند؟ کار و زندگی ندارند؟ درس نمی خوانند؟ سواد ندارند؟ این سوالات پشت این اقدام می آید و امروز توزیع شایعات بیشتر از توزیع واقعیات است.

صدای مردم: همیشه گفته می شد که «هیئت سیاسی نشود» همینطور می بینیم که درس های جدیدی از امام حسین دارد گرفته می شود مثلاً بیان می شود که ما از امام حسین درس مذاکره می گیریم. تحلیلی که رهبری نیز اخیراً در بحث تاریخ اهل بیت و ارتباط آن با مسائل اجتماعی امروز داشتند این است که نباید برای یک هدف سیاسی، برداشت غلطی از روز عاشورا شود. همچنین حضرت آقا نیز تأکید دارند که هیئت سکولار نداریم.

حد و مرز این دو چقدر است؟ و نسبت هیئت با مسائل سیاسی و اجتماعی چیست؟

انجوی نژاد: خود «سکولار» نیز نوعی سیاست است. نمی شود گفت تشکیلاتی سیاسی نیست. یک فردی اگر می گوید من در فلان قضیه وارد نمی شوم، سیاستش این است. سکولاریسم نیز سیاسی است یعنی سیاست من این است. هیچ جا نمی تواند سیاسی نشود. حتی اگر سیاست داشته باشند که در سیاست ورود نکنند. این یعنی

حسین (ع)، شعاری یا عاشورایی

هادی مسعودی

کردم که چرا یک مجلس درست نمی تواند مرا اغنا کند، چرا؟... این سوال برابیم به وجود آمد که چه حسینی در مجالس ما توسط وعظین و مداحان ما بر ما عرضه می شود؟ آیا حسین زنده یا حسین مرده و به تاریخ پیوسته؟ از نظر آقای مطهری مهم ترین ویژگی های یک موجود زنده دو چیز است: ۱. آگاهی. ۲. تحرک. یعنی اگر حسین ناب در این مجالس به ما معرفی می شود باید پس از هر جلسه دو ویژگی را در ما به وجود آورد: ۱. جنبش و تحرک برای راه امام حسین و ۲. افزایش معرفت و آگاهی پس از این مجالس. اما واقعاً امروز کدام حسین بر ما عرضه می شود؟ نگارنده صراحتاً عرض می کند که، امام حسینی که این روزها در مجالس ارائه می شود را قبول ندارد، حسینی که فقط به درد گریه کردن و بخشش گناهان و گرفتن حاجات می خورد را دوست ندارد، حسینی که همان نقش مسیح در جامعه اسلامی را

دیگر تحملش را نداشتیم، تاب نیاوردیم، از مجلس بیرون زدم، برافروخته بودم، ناراحت و خشمگین تحقیر های مداح به اهل بیت دیگر طاقتم را طاق کرده بود، خواننده چنان شان و مقام حضرت رقیه را در حد یک دختر سه ساله عادی پایین آورد و تمام خواسته آن بانو را به گرسنگی و تشنگی و خواب تنزل داده بود، که شدیداً از سواد وجود اشک ریختم اما نه به خاطر روضه های (بخوانید تحقیر های) مداح، که برای غربت امام حسین (ع)، احساس غربت کردم برای شخصیت سید الشهداء که در مجلسی که به اسم ایشان برگزار شده است هم از راه و هدف ایشان از اساس خبری نیست و منزوی ترین موضوع در مجلس امام حسین، خود ایشان است.

به این فکر می کردم چرا در شهری که شاید در هر محله اش روضه ای بر پاست من باز احساس تنهایی می کنم، به این فکر می





*** تمام تریبون‌های نمازجمعه در دست روحانیت است، تمام کلاس‌های دانشگاه دست روحانیت است، همه چیز دست روحانیت است. حالا یک مداح گل کرد که نباید او را خاموش کرد. روحانی ما چرا گل نمی‌کند؟**

*** شما چهار تا آخوند مثال بزنید که صدا و سیما مطرح‌شان نکرده باشد و خودشان توانسته باشند خودشان را مطرح کنند. مداحان ما اینقدر بزرگ می‌شوند که صدا و سیما مجبور می‌شود از آن‌ها استفاده کند اما آخوندهای ما را صدا و سیما دارد بزرگ می‌کند.**

*** وقتی کار گسترده می‌شود، آسیب‌های آن نیز گسترده می‌شود. قدیم می‌توانستند یک سال کار فرهنگی کنند تا محرم‌ها هیئتی درخور و عالی داشته باشند اما اکنون هر شب، تعداد زیادی هیئت فعالیت دارند و اینقدر زیاد جلسات جریان دارد که نمی‌شود متوقف کرد و فکری برای تغییرش داشت.**

*** سکولاریسم نیز سیاسی است یعنی سیاست من این است. هیچ‌جا نمی‌تواند سیاسی نشود. حتی اگر سیاست داشته باشندکه در سیاست ورود نکنند. این یعنی می‌خواهند بینابین باشند و از کنار عبور کنند. این که می‌گویند ما سیاسی نیستیم و فقط حرف اهل بیت می‌زنیم، نیز یک سیاست است. اگر حرف اهل بیت را با امروز تطبیق دادی پس سیاسی امروز هستی و اگر با تطبیق ندادی یک سیاسی منجمدی که در تاریخ مانده است؛**

می‌خواهند بینابین باشند و از کنار عبور کنند. این که می‌گویند ما سیاسی نیستیم و فقط حرف اهل بیت می‌زنیم، نیز یک سیاست است. اگر حرف اهل بیت را با امروز تطبیق دادی پس سیاسی امروز هستی و اگر با تطبیق ندادی یک سیاسی منجمدی که در تاریخ مانده است؛ ما یک هیئت نمی‌توانیم پیدا کنیم که سیاسی نباشد.

صدای مردم: البته سیاسی به معنای مصطلح امروز مد نظر ماست.

انجوی نژاد: معنای مصطلح امروز در سیاست یعنی چهار تا جناح. یکی چپ، یکی راست و دوتا هم وسط. مردم چهار گروه بیشتر نیستند؛یکی وسط وسط است که سرش پایین و است و کاری به چیزی ندارد و باقی دخیل‌ترند.
خب این سیاست‌شان است. سکوت نیز یک سیاست است. کسی امروز می‌گوید هیئت نباید سیاسی باشد یعنی نباید سیاسی انقلاب اسلامی باشد بلکه باید سیاسی ما باشد. سیاست ما هم سیاست کناره‌گیری و انزوا و دخالت نکردن و در جامعه دیده نشدن است.

اینکه می‌بینیم امروز رئیس‌جمهور از تاریخ عاشورا استفاده می‌کند به این دلیل است که آقای روحانی گیر کرده است. چون با دیدگاه و برنامه‌ای وارد شد، که از روز اول همه می‌گفتند این دید درست نیست و نباید کل مملکت را به مسائل اقتصادی گره زد همچنین وعده‌های اقتصادی که نتوانست برآورده کند نیز بر این استیصال می‌افزاید؛ وقتی کسی دارد غرق می‌شود به هر چیزی جنگ می‌زند تا خود را نجات دهد. صحبت های امروز روحانی خیلی پایین‌تر از اون چیزی هست که خودش بلد است. خودش می‌داند که اینگونه که می‌گوید نیست. برای بر خی از مباحث امروز مصادیقی از صدر اسلام آوردن، تخصصی عادی و سطح پایین می‌خواهد که حتما آقای روحانی آن را دارد. این چنین برداشتهایی دست و پا زدن یک غریق است وگر نه این صحبت‌ها اصلاً جای بحث ندارد. عملکرد امروز اگر قابل دفاع است باید دفاع نمود و نباید از ولایت و امامت خرج کرد.

صدای مردم: ۱۲ سال پیش در سال ۸۲ سخنرانی‌ای داشتید با عنوان «هیئت علیه هیئت». اگر امروز بخواهید یک سخنرانی با همین عنوان داشته باشید چقدر متفاوت خواهد بود.

انجوی نژاد: خیلی باآن سخنرانی تفاوت خواهدداشت. خیلی. مباحث سال ۸۲ برای آن زمان بود گرچه بسیاری از هیئت‌ها هنوز در همان بحث‌ها مشکل دارند. گرچه من مدتی است که آسیب‌شناسی نمی‌کنم.

برای نقد و آسیب‌شناسی اولویت‌های مهمتری دارم.

صدای مردم: بحث سبک زندگی هیئتی را نیز مطرح کنیم. به تا‌زگی سبک زندگی‌ای به راه افتاده که می‌گوید من بچه هیئتی هستم و مجموعه‌ای از مولفه‌های خیلی جالب را نیز داراست…

انجوی نژاد: یک بحث بسیار مفصل درباره همین موضوع من با نشریه دانشگاه امام صادق(ع) داشتم.ام. که آن‌ها می‌گفتند سبک زندگی هیئتی چه چیزی هست و من از همان ابتدا مخالفت کردم و گفتم اصلا چنین چیزی وجود ندارد؛ این یعنی مشکل. من از همان ابتدا با این مخالف بودم. یعنی چه این کار؟ ما بیابیم بچه‌های هیئت را از جامعه جدا کنیم؟! «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، یعنی جایی را به نام امام حسین جدا نکنیم و مردمش را به شکل دیگری کنیم. یکی از



اشک ریختن شیعیان و همچنین مضامین تعزیه‌ها و روضه‌های ما باید به گونه ای باشد که کاملا با قبل از انقلاب تفاوت داشته باشد. مضامین مدح‌های ما متأسفانه امروز به گونه است که اگر در قبل از انقلاب و حکومت طاغوت به سسر می بردیم هم نعل به نعل همین مضامین را به کار می گرفتیم. نقش و جایگاه ستون خیمه انقلاب(ولی فقیه) در محتوای شعر های مداحان ما کجاست؟ انتظارات رهبری به صورت عینی چه جایگاهی در مجالس عزای ما دارد؟ دین افیون و تریاک توده ها نیست اما متأسفانه گاهی اوقات طرز تلقی از ابا عبدالله به ما عرضه می شود که نتیجه اش جز تخدیر و انفعال چیز دیگری نیست. امروز چون حسین واقعی به مردم و جوانان ما عرضه نمی شود پس جذابیتی که باید داشته باشد را هم نداردپس نمی توان برخی جوانان را به خاطر نزدیک نشدن به این مجالس و این حسین ملامت کرد.وقتی جوان ما می بیند که دو ماه محرم و صفر گذشت و تنها تغییری که در قشر حزب الله پیش آمد این بود که بسیار گریبد و مشکی پوشید و یا فوفش زنگ موبایلش را عوض کرد،چرا باید به این راه جذب شود؟ با خود می گوید:«پس

خوبی‌های کانون رهپویان وصال همین است. مثلا من اجازه نمی‌دم، بچه‌ها یک دست لباس بپوشند. باید همه مدل آدم در هیئت دیده شود. بعضی از هیئت‌ها می‌بینید که یک شکل هستند؛ چقیه و انگشتر و ریش و… . اما اگر دقت کنید من از هیچ زانده‌ای استفاده نمی‌کنم، حتی انگشتر.

این سبکی که شما می‌گویید باید گفت که انحرافی اتفاق افتاده است. این همان چیزی است که من سال ۸۲ گفتم؛ ورود صوفیه به هیئت‌های مذهبی. گفتم صوفیه دارد به هیئت‌ها راه پیدا می‌کند، مراقب هروله‌ها باشید. دقیقا سال ۹۰ هروله صوفی آمده بیرون؛ دست‌ها را می‌اندازند دور گردن هم و سینه نمی‌زنند. این یعنی سماع صوفی. این دستت دور گردن هم انداختن و مدتی سر تکان دادن و… یعنی سماع صوفی! کاری به حلال و حرام ندارم. صوفیه دارد به هیئت‌ها ورود پیدا می‌کند. از جمله در ظاهر؛ سبیل‌ها و ریش‌های آنچنانی و… تا در سبک زندگی؛ شب‌بیداری و قلیون و دخانیات و چیزهایی که الان رسم شده است.

صدای مردم: یکی از بهترین هیئت‌هایی که جبهه‌رفته‌ها به آن‌ها اشاره می‌کنند و البته از بهترین هیئت‌هایی بود که تاریخ داشته‌ایم، همین هیئت‌هایی بود که در زمان جنگ در مناطق جنگی برپا می‌شد. یعنی رزمنده‌ها در شب عملیات هیئت می‌گرفتند. اکنون هیئت‌هایی وجود دارد که هیچ ربطی به هیچ عملیاتی ندارد و صرفا هیئت برای هیئت است؛ گریه برای گریه. نظر شما چیست؟

انجوی نژاد: در بهترین حالت این استست که توبه می‌کنند. تأثیری در جامعه ندارد. اما وقتی می‌گویید در زمان جنگ بهترین هیئت‌ها داشته‌ایم، خب فضا را هم باید در نظر گرفت، فرد می‌خواهد برود یک ربع بعد شهید شود یا یک ربع قبل رفیقش شهید شده است. هیئت زمین جنگ جزو بهترین‌ها بودن اما فضای زمان را نیز باید در نظر گرفت. البته هیئت‌هایی نیز در دهه‌های اخیر به وجود آمده‌اند در سطح کشور که هیئت‌های خوبی بوده‌اند.

صدای مردم: حضرت آقامی فرمایند انقلاب اسلامی حاصل تغییر نگاه دین‌مداران به دین بود. ایشان می‌فرمایند بسیاری از مفاهیم اسلامی قبل از انقلاب تحریف شده بود و این تیم امام بود که با کارهای فرهنگی این مفاهیم را بازگرداند به وضعیت درست و در نهایت منجر به انقلاب اسلامی شد. چرا جوان امروزی ما وارد هیئت می‌شود نمی‌تواند با امام حسینی که تعریف می‌شود، ارتباط برقرار کند؟ چرا امروز از هیئت‌ها ایدئولوژی و مسیری شفاف و کاربردی بیرون نمی‌آید؟

انجوی نژاد: این موضوع همیشه بوده است. نمی‌شود گفت ملت ابتدا باشور امام ارتباط برقرار می‌کنند بعد شعورشان بیشتر می‌شود که اتفاقاً برعکس این هم بوده است. شهید مطهری این بحث را سال ۴۷ مطرح کرد. عده‌ای به دنبال شعور می‌گردند و عده‌ای به دنبال شور. کاری هم نمی‌شود کرد. بعضی از رزمنده‌های جبهه حتی یک جمله از امام حسین(ع) بلد نبودند اما وقتی شنیدند که اما خمینی جانشین امام حسین است، رفتند برای جان دادن. خیلی از ما حتی یک روزنامه هم نمی‌خواندیم، تحلیل هم بلد نبودیم اما می‌شنیدیم که امام این را گفته، می‌گفتیم چشم و می‌رفتیم.

صدای مردم: خب، وضع مطلوب این است؟

انجوی نژاد: نه، وضع مطلوب این نیست. می‌خواهم بگویم عده‌ای اینگونه هستند و یک عده هم با تحقیق و تحلیل وارد می‌شوند. اما قرآن کریم می‌گوید باید با عموم مردم موج ایجاد کرد. این موج با محبت و برادری ایجاد می‌شود و نباید تخریب کنیم. از یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفری که به جنگ رفتند، یکی خود من بودم.، من ابتدای جنگ، وسط جنگ و حتی تا آخر جنگ یک بار هم سخنرانی امام را گوش نکردم، کم سن و سال بودم. می‌گفتند امام صحبت کرده، ما می‌گفتیم هرچه گفته دمش گرم. من یک بار در طول جنگ سخنرانی گوش ندادم و خیلی از بچه‌ها هم اینگونه بودند. اصلا ما اخبار گوش نمی‌دادیم؛ فقط کویتی‌پور و آهنگران بخواند و ما سینه بزنیم. مثلا یک زمانی اعلام شد که از امروز نباید فلان روزنامه بیاید در لشکر. ما می‌پرسیدیم مگر تا به حال می‌آمد؟ اطلاعی نداشتیم. نمی‌دانستیم روزنامه رسالت که هر روز می‌آید چی هست!

امام حسین عاشق‌هایی دارد که حاضرند برایش جان دهند اما هیچی هم ازش بلد نیستند. به قول شهید مطهری ما نباید این عده را ندیده بگیریم. عده‌ای هم به دنبال معرفت و شعور هستند که به اینها گفته می‌شود نخبه؛ که درصد بزرگی از جمعیت ما نیستند. مشکل بزرگ بر خی نخبگان ما این است که هنگامی که نخبه بودن خود را احساس کردند، عوام را فراموش می‌کنند و برنامه‌هایی که برای خودشان می‌پسندند برای عوام هم نمی‌پسندند.

صدای مردم: با تشکر از وقتی که در اختیار مان گذاشتید.

از دو ماه نه تغییر در اخلاقیات حزب الله پیش آمد، نه فاصله مستضعفین و مستکبرین در جامعه کم شد، نه مسئولین به اصطلاح اصولگرای ما مسؤل تر شدند، نه فساد اقتصادی و اداری و رشوه خواری و رانت خواری در جامعه کم شد،نه جامعه تغییری کرد، نه سرمایه پرستان و یک درصدی ها منزوی شدند، نه بهزکاری اجتماعی کمتر شد، نه در وضع جهان اسلام تغییری به وجود آمد…. پس چه دلیلی دارد که من به این سمت حرکت کنم؟»

اگر دو ماه محرم و صفر بگذرد و ما مسئولیت شیعه بودن را بیش از پیش بر دوش خود احساس نکنیم،اگر دو ماه گذشت و درد اجتماعی ما بیشتر نشد،هم بستگی اجتماعی در مومنین تقویت نشد،روابط انسانی در جامعه قوت نگرفت،شاد خواری و راحت طلبی در ما کم نشد،بدانیم که دو ماه محرم و صفر را فقط برای سرگرمی و دل خودمان صرف کردیم و منتظر بردن بهره‌ای از این نوع عزاداری‌ها در آن دنیا نباشیم چرا که:«مذهبی که به درد دنیا نمی‌خورد به درد آخرت هم نخواهد خورد(۱)».

(۱):امام حسین(ع)

(۲):دکتر شریعتی

یادداشت

حسین رابه جنگ حسین(ع) آورده‌اند

روح‌الله رشیدی

می‌خواهند حسین(ع) را بر زمین بزنند. اما زورشان نمی‌رسد. پس دست به دامن دوستداران حسین می‌شوند. چنان هنرمندانه عمل می‌کنند که هیچ‌کس نمی‌تواند تردیدی در اصلتش کند. می‌تراشند و می‌سازند و به نام حسین به خورد جماعت می‌دهند. نشانی اشتباه به مردم می‌دهند تا هم حسین را تبلیغ کنند و هم آنها را به دور خودشان چرخانده و آخر سر هم سر از ناکجباباد در آورند. از همین روست که امروز شاهد دهها حسین هستیم. هر کس برای خود مجموعه‌ای از بافته‌های بی‌بنیان ترتیب داده و به جمع حسینیان پیوسته است. به تعداد هر عاشق، حسین داریم. و با حسرت بدنبال یافتن اوبی هستیم که در سال ۶۱ هجری جان بر کف و عزیز به مضاف خط انحراف رفت و سخت بی‌آبروشان ساخت.

تجسم و تصویر به جای حقایق تاریخ ساز

ما را به دیار خیال و اوهام رهنمون ساخته‌اند و از وادی «حقیقت» دور. همچون کودکان نابالغ، ما را بازی می‌دهند. راستش را بخواهید ما را بت پرست ساخته‌اند!آری بت پرست. بی آنکه خود بدانیم، تمام حقایق معرفتی مان را («مجسمه» و «تصویر») کرده و پیش رومیان نهاده‌اند تا با آنها مشغول باشیم. می‌گوییم علی بن ابیطالب، بلافاصله مردی قوی هیکل را با شمشیری وحشتناک بدست و لباسی از حریر و ابریشم بر تن نشانمان می‌دهند و می‌گویند همین است که می‌بینید. از حسین بن علی می‌پرسیم، بلادرتگ تصویر مردی را نشان می‌دهند که حسایی به خودش رسیده‌ه و البته به خاطر کاری که کرده در حال گریستن است. نشانی‌هر که را می‌پرسیم، فقط «تصویر»ش را می‌بایم و از «آنچه کرده» و «آنچه گفته» خبری نیست. دقیقاً همان کاری که بالهام از یونان باستان در دیار فرنگ کرده و برای هرکدام از صفات انسانی مجسمه‌ای بنا کرده و او را می‌پرستند. مجسمه‌ی آزادی، الهه‌ی زیبایی، الهه‌ی خیر، الهه‌ی شر، الهه‌ی قدرت و …

حسینیّه،رقیب مسجد

حسین مال همه است. همه حق دارند از ساخت او بهره ببرند. من دوست دارم مستقل باشم و هرگونه که دلم خواست برای «آقایم» عزاداری کنم. بنده اهل مسجد و این حرفها نیستم. اصولاً از مسجد خوشم نمی‌آید ولی چه کنم که عشق «اربابم» دیوانه کرده‌م!دست به کار می‌شویم و داربستی در کنار کوچه و گذرگاه جماعت برپا می‌کنیم و به عشق «سرورمان» تا نیمه‌های شب فریاد و ضجه می‌زنیم. بیخ گوش ما هم «مسجد امام حسین(ع)» در سکوت مطلق با خودش خلوت کرده است.

جریان بدعت آمیزی که هر روز در حال گسترش است و مسئولین متفکر ما به خیال اینکه حرکت‌های مردمی در حال تقویت‌اند به آن بی‌توجه‌اند؛ نتیجه منطقی‌اش این می‌شود که «راه حسین(ع) از راه خدا جداست!» حسین(ع) کار خودش را می‌کند و خدا نیز کار خود را. ولی می‌بینید که طرفداران حسین(ع) از طرفداران خدا پرشمارترند!مسجد برای «عبادت» است و جای عابدان و حسینیه برای «شفاعت» است و جای «عاشقان» و این دو در یک اقلیم نگنجد

رقابت می‌کنیم مثل فوتبال!

عرسه‌ی دینمرداری را ارمیدان تاخت و تاز و روکم کتی کرده‌ایم. حسین را وسیله‌ای می‌دانیم برای جلب مخاطب برای حضرت خودمان. حسایی کیف می‌کنیم وقتی می‌بینیم ابتدا و انتهای صف مردبان ما _ و نه مردبان حسین _ ناپیداست. عقده‌های حقارت خود را در این ایام ترمیم می‌کنیم. بازم گلی به جمال حسین(ع) که به کار عده‌ای آمد. وعده و وعید می‌دهیم برای قاپیدن اعضای فلان هیئت. تلمع می‌کنیم فلان مداح پرآوازه را برای پیوستن به «جمع معنوی» خودمان. حتی اگر لازم شد آدم اجیر می‌کنیم تا گوش فلانی را بیچکانند و از میدان بدرش کنند. هر چه باشد اینجا میدان مسابقه است. بمیرم برایت یا ابالفعل که خبری از «ایشان»ات نیست.

بی‌خیال همه چیز

حسین(ع) برای بسامان ساختن جامعه بشری، عصیان کرد و تکلیف مردمان تمام اعصار بعداز خود را در قبال پیشامدها روشن نمود. اساساً آنکه دور و بر حسین(ع) می‌پلکد، نمی‌تواند بی‌خیال همه چیز باشد. ولی چنان کرده‌اند که اتفاقاً همینان، بی‌خیال‌ترین و سرخورده‌ترین هستند. _ البته روشن است که حسین داریم تا حسین(ع)_ به آنچه در اطرفشان می‌گذرد وقعی نمی‌نهند. از فهم آنچه در جامعه‌شان روی می‌دهد بیزارند. چشمان خود را بر هر چه رنگ بی‌عدالتی دارد بسته‌اند. همچون دراویش، سر به لاک خود دارند و با ذکر معشوق، از خود بیخود می‌شوند. می‌گویند «ما را به کار جهان هیچ التفاتی نیست!» حسین برای ما کافی‌است! پیش‌روی ایشان حتی اگر سر حسین(ع) را هم از تن جدا کنند، خواهند گفت که «بی‌خیال». «عشق حسین» کفایت می‌کند!

«شاه، سلطان، ارباب» به جای امام

تمام سسمیل‌های جور، به دست خود مظلومان، زنده و جاوید مانده‌اند. واژه‌هایی که به یادگار مانده از دوران استعمار و بهره‌کشی و رعیت‌آزاری بودند، در یک حرکت هنرمندانه، آنچنان با ادبیات دینی ما عجین و همراه شده‌اند که دیگر کسی جرات نمی‌کند بگوید که «شاه و سلطان و ارباب» زینده حسین(ع) نیست. امروز بیش و پیش از آنکه حسین بن علی(ع) را امام بدانیم، شاه و اربابش می‌شناسیم. شان امام کجا و رتبه نازل ارباب کجا؟ نگاه می‌کنی به دفتر تاریخ و به روشنی ردپای شاهان و سلاطین جاتری را، که منافقانه نام حسین(ع) می‌بردند، می‌بینی. آنها برای تطهیر خود، از پاک‌ترین‌های روزگار بهره‌جستند و چنین شدد که با دست و زبان خودمان، اجازه‌ندادیم تادل‌آزادترین‌واژه‌های تاریخ به فراموشی سپرده شوند.



پرونده ویژه صلواتی‌روم ۵

پرونده ویژه

یادداشت مهمان

قیام ضد یزیدیان زمان، پایای ولی زمان!



امام حسین آمد که ثابت کند، تا ظالم و مظلوم هست مسیر سرنوشت آدمیت، به دوراهی کوفه و کربلا منتهی می شود. اما ندای «یا لیتنا کنا معک» قرار نیست من و تو را به هزار و اندی سال پیش بازگر داند تا در رکاب حسین «علیه السلام» شمشیر برکشیم و به جنگ سپاه کوفه و شام راهی شویم. افسوس! هر بار وقتی که ندا در می‌دهیم که «کاش بودم و تو را یاری می‌کردم»، یک شمه از جلوه های عاشورایی را برایت عیان می‌کنند. دوباره در گوشه ای از این عالم، ظلمی روا می‌شود. آنوقت من و تو می مانیم و کلاهی که در پی قضاوت است، که این ها همه بازی است و به ما چه مربوط که در آن سوی کره خاکی چه خبر است.

حسینی بودن امروز تنها خلاصه در اشک ریختن و سینه زدن و هیئت رفتن نمی‌شود. اگر عاشورایی هستیم، باید ببینیم یزید روزگار کجای این میدان ایستاده. ما باید آنقدر سرسنگین باشیم که یزید مستکبر امروز برای سرمان جایزه تعیین کند. و این زیاد حاضر باشد، سر به تنمان نباشد. عاشورایی اصیل آن است که هم از تبار یزیدیان دیرروز تبری بجوید، هم از یزیدیان امروز! حسین به تنهایی در برابر استکبار کهن ایستاد، اکنون چه کسی باید بار مقاومت در برابر ظالمان و مستکبرین امروز را بر دوش خود بکشد؟ حسین علیه طاغوت روزگار خود قیام کرد و به مبارزه پرداخت؛ برای حسینی بودن و حسینی ماندن، تنها به عزاداری نمی‌توان اکتفا کرد. امروز هم حسینی ماندن، بدون قیام علیه ظلم و جور و فسق و فجور مستکبران میسر نخواهد شد.

همیشه یزیدی بودن، با همراهی ظالمان رقم نمی‌خورد. گاهی به همان نسبت که مظلوم را از حمایت مادی و معنوی خود محروم کنی، بایزید می‌شوی! کافیست در هنگامه برخواستن صدای مظلوم، گوش خود را به نشنیدن بزنی و بی تفاوت باشی، آنوقت من و تو هیچ تفاوتی با مسیبان و عاملان ظلم نخواهیم داشت، چرا که آنها شاید مأمور به ظلمند و ما مختاریم که یاری کنیم، اما دروغ می‌کنیم! گاهی حتی انتظار آنها که زیر چکمه های پولادین ظلم جان می‌دهند، از ما یاری فیزیکی نیست، گاهی تنها کمک ما حمایت و راهپیمایی حیاتیی ست که آنها را امیدوار می‌کنند. ما اگر حاضر نشویم همین قدر علیه ظلم یزید زمانه، بر خیزیم، نباید کوفیان را شماتت کنیم. آنوقت یک عمر گریه ما بر آن فاجعه‌ها، چون گریه بی‌ثمر و بی‌اثر کوفیان، اندازه آبعوره هم فایده نخواهد داشت! فریاد حسینی عصر ما، عدم سکوت در برابر ظلم ظالمانه یزیدیان زمان، پایای ولی زمان است.

با شمر و یزید نمی‌توان با رویه تساهل کنار آمد. نمی‌شود هم یار حسین بود و هم مددکار یزید. میدان حق و باطل میانه ندارد. نمی‌شود رابطه‌ه با یزید را با خوشبینی و امید حل کرد. امید بستن به حسن نیت یزید، ساده انگاری محض است. چشم داشتن به کمک به شائبه یزید، حماقتی ناخوشودنی ست. میدان حق و باطل، میانه ندارد. صف های عیان پیکار، تسامح بردار نیست! با دیپلماسی کوفیانه نمی‌شود به سوی قله های سربلندی حرکت کرد و بسوی آسمان استقلال پر کشید. اصلا حسین آمد که بگوید (سالار شهیدان آموخت به ما) کسی چون حسین با فردی مثل یزید بیعت نخواهد کرد!

حال چرا ما باید به بهانه کاهش تحریم‌ها و محاصره‌ها، از آرمان‌های اصیل عاشورایی خود دست برداریم؟ در مقابله با استکبار ممکن است، شرایط ظاهری سخت باشد، اما آنچه که اهمیت دارد، آن است که علم حق بر زمین نیفتد. بدانیم که نبرد حق و باطل در خواب هر دوره جاری است و هر روز برای مسلمین عالم عاشورایی دیگر است. حسینی ماندن امروز، ضد استکبار و علیه ظلم ظالمان بودن است. بی شک امروز جلوه حقیقی زیارت عاشورا و لعن یزید، شعار مرگ بر آمریکاست!

سید محمد رضی زاده

«تجبر و تجدد دو پرتگاه جهنمی هستند که در این سوی و آن سوی صراط عدل دهان باز کرده‌اند...» هر کسی و در هر لباسی را به کام خود می‌کشد، پرتگاه جهنمی که در آن سوری صراط عدل، برای ریش دارها و یقه بسته های حزب الهی نماساخته شده‌است. جریان خطر ناک مذهبی های بی خطر را نه در کتب و مقالات و نه در سخنرانی‌ها و پولتن‌ها یافته‌ام، بلکه با گوشت و تن خود لمس کرده‌ام و هر روز با انواع و مراتب مختلفی از آنها سروکار دارم.

خطر حزب الهی های بی خطر اگر از تمام جریانات منحرف و فاسد بیشتر نباشد، حتما کمتر نیست. چرا که در این جریان همه چیز با لعاب دین و مذهبی بودن توجیه می‌شود و جریانات ناب حزب الهی را هم که تنها محل مبارزه با مفسدین و گردن کلفتان هستند را به محاق می‌برد. مبارزه با مفسدین را وا می‌نهد، و عدالتخواهی و مطالبه را با برچسب تندروی و خروج از دایره اخلاق محکوم می‌کند. مذهبی بودن، اهل معنویت بودن و تقوا کلماتی است که برای توجیه اعمال خود و نفی جریانات انقلابی مکررا بکار می‌برند.

مذهبی های بی خطر بیش از همه مروج سکولاریسم و اسلام فردی هستند. تقوایی که مورد تجویز این جریان خطرناک است، تقوای مسئولیت گریز و گوشه گیر است. تمام اسلام را در یک سری ظواهر خشک و خالی و بی روح تفسیر و عمل می‌کنند. معنویت در این جریان مانند عرفان های شرقی، تنها ابزاری است برای تخلیه ی روحی و روانی اشخاص. نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی کمترین واکنش را نشان می‌دهند و در یک کلام هر چند شاید هیچگاه نپذیرند، اما در عمل همان اسلام آمریکایی را پیاده می‌کنند.

مذهبی های بی خطری که به مسجد و هیئت می روند، اما قرار نیست به احکام اجتماعی خداوند عمل کنند. این جریان که هم در مقام نظر و هم عمل دقیقا مقابل سبیره ی امام روح الله می باشد، حتی حاضر نشده اند برای توجیه کارهای خود امام را نیز تحریف کنند. امامی که قشربیون ترسیم می‌کنند، بیرمردی است نورانی، با محاسن زیبا، عارفی سالک که نیمه لیوان آب خود را نکه می‌دارد تا اسراف نشود و هیچگاه از فریادهای امام برسر متحجرین و متجددین و در راس آنها استکبار جهانی یعنی آمریکای جهان خوار نخواهند گفت، هیچگاه از جنگ فقر و غنای امام نخواهند گفت... غافل از اینکه در مکتب امام روح الله عارفان مبارزه جو پرورش میابند، آثانی که به راستی زاهدان شب و شیران روز بودند.

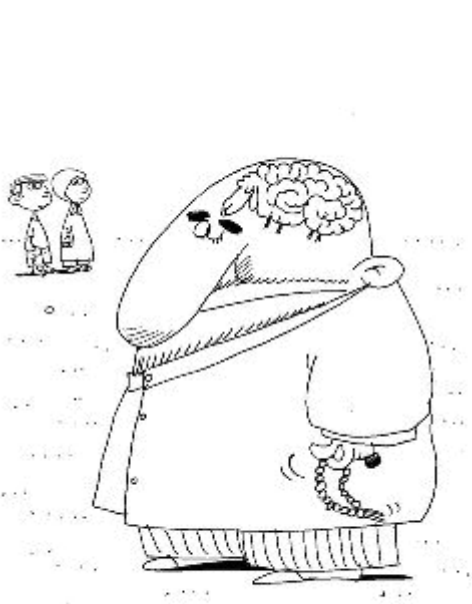
هشت سال جنگ را دوست دارند، بخصوص اردوهای راهبان نورش و یادواره‌های نوستالژیک آن‌را، اما قرار نیست پیام دفاع مقدس را در جنگ پاره‌نه‌ها و مرفهین بی درد بازگو کرد و به نتایج تکلیف آور و خطرناک آن دست یافت. تا دلثنا بخواهد برای شهدا اشک می‌ریزند، عکس می‌چسبانند به شرطی که شهدا نیز پایشان را از گلیم خود درازتر نکنند و توقع جهاد و مبارزه نداشته باشند. آیا نباید ثابت کرد که در اسلام ناب نسبت شهادت و عدالتخواهی تباین است؟ و این مفهوم در اندیشه متحجرین هیچ ربطی بهم ندارد و قرار نیست بعد از هر یادواره و ذکرى از شهدا موتور آرمانخواهی در جامعه شتاب بگیردا که اگر شهدا امروز بودند، با استناد به سیره ی ناب شهدا و بسیجیان واقعی یقه اصحاب قدرت را برای وفا به عدالت در عرصه‌های فردی و اجتماعی می‌گرفتند و چرخه ی فاسد ثروت- قدرت عده‌ای را با مشکل مواجه می‌ساختند. اما اینان حتی حسین(ع) را هم شهید دوست دارند، نه حسینی زنده و حاضر در همه زمان‌ها و مکان‌ها، چرا که ممکن است از حنجر چنین حسینی هر لحظه صدای «هل من ناصر یبصرنی» شنیده شود! در قاموس مذهبی های بی خطر کل یوم عاشورا یعنی هر روز زیارت عاشورا را با۱۰۰لعن و ۱۰۰اسلام بخوانی، تا خیالت از باب تویی و تبری راحت شود، تا دیگر نیازی به مبارزه با ظالمین زمان و اطاعت از امام حاضر نباشد.

به همه بریخورد، چه اشکالی دارد! این جریان بی خطر برای دشمنان و مفسدان و خطرناک برای انقلاب، انواع و مراتبی دارد. تصور نکنید حتما یک سری افراد خشک مقدس را در برمی‌گیرد؛ خیر. کافیست کمی در رفتار خود و اطرافیان مذهبی خود تامل کنیم! به تناسب غلظت انحراف، خطر آنها برای انقلاب اسلامی نیز بیشتر می‌شود.

جریان صدنقلاب مذهبی که خود را مدعی تمام اسلام و ظواهر آن می‌داند، آنچنان خود را سبینه چاک ولایت می‌نمایاند که کسی دیگر به خودش اجازه نمی‌دهد از تطایق عمل آنها با کلام ولایت پرسش کند.

خطر مذهبی‌های بی‌خطر

علیرضا فقیر



آنها رهبری را دوست دارند، بخصوص عکس‌های زیبا و خندان رهبری‌را، که می‌چسبانند بر روی کیفشان. بعد از بیانات رهبری آنچنان فریاد می‌زنند: «ما اهل کوفه نیستیم» که باورمان می‌شود! اما اینا امان هیچگاه قرار نیست از مطالبه رهبری در باب عدالتخواهی، مبارزه با کانون‌های قدرت و ثروت، آرمانخواهی، آزاداندیشی، تولید علم، جهانی شدن اسلام، مبارزه با مستکبرین جهان، رسیدگی به مستضعفان سخنی بگویند، و حتی به بایکوت آن می‌پردازند، چرا که آسایش و معنویت حضرات بهم می‌خورد!

نگاه کاریکانوری به دین مشخصه ی اصلی این جریان است. که اگر یکی از سه گانه معنویت، عقلانیت و عدالت بلنگد، نتیجه آن انحراف و انحطاط است. همانقدر که ظواهر و تقوای شخصی اهمیت دارد، امربه معروف و نهی از منکر نیز مهم است و همانقدر عقلانیت. آنها نمی‌خواهند متوجه شوند که به راستی «دین همه ی دین است.» «فرقی نمی‌کند زن یا مرد، آخوند یا کراواتی، پلو می‌دهند همیشه برای کشتن حسین، حتی گاهی پرچم سپاه می‌زنند، و روضه خوان هم می‌آورند...» اما نباید هدف قیام امام حسین(ع) را بازگو کرد، نباید حسینی زیست، نباید پیام قیام عاشورا بازگو شود، نباید با یزید زمان مبارزه کرد. بچه ی هیئتی باید تنها خاصیتش به سر وسینه زدن باشد و هیچگاه نباید به صورت دشمن تعرضی کند! آرمان در سلوک این حزب الهی‌های بی خطر، نهایتا برگزاری هیئت، جذب چند دانشجو در تشکیل‌های به اصطلاح ارزشی یمان، اردوهای راهبان نور و مشهد، برگزاری چندهمایش بی‌خاصیت نمایشی و رفع تکلیفی است. اما قرار نیست به قیای کسی بریخورد. قرار نیست از عمل مفسودی دردش بگیرد، کسی از ما ناراحت بشود! برای کسی ایجاد خطر بشود! شما که بهتر می‌دانید مبارزه عملی با شیطان بزرگ معنویتمان را خراب می‌کند! به راستی برگزاری چنین مراسم‌های خنثی چه نتیجه ای در گسترش رفتار علوی، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، رسیدگی به کوخ نشسینان و تحقق عدالت داشته‌است؟ به ما چه ربطی دارد که چه کسی حاکم و نماینده می‌شود، حضرات برایمان فکر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و ما هم رای می‌دهیم. به ما چه ربطی دارد که حاج آقا خون مستضعفین را تا آخر سر می‌کشد؟! اصلا به تو چه که فقر، شکاف طبقاتی، مانور تجمل، آفازادگی و کانون‌های قدرت و ثروتی وجود دارد چه برسد به مبارزه؟! بگذار تا حال معنوی خودمان را کنیم...

تقوای خیالی که از آن دم می‌زنند، تنها بهانه‌ای است برای فرار از خطر مبارزه با کانون‌های قدرت و ثروت. ترس از منزوی شدن، به خطر افتادن آبرو، تهمت شنیدن و ایجاد دردسر ایجاب می‌کند تا با برجسب اخلاق از میدان مبارزه با مفسدین فرار کنند. این تقوا تنها مخدری است برای تسکین و تخلیه روحی مذهبی نماها، که به تعبیر خودشان نمی‌خواهند دامن پاک خود را به سیاست آلوده کنند، اما هیچگاه قرار نیست خطبه

های عدالت مولای متقیان علی(ع) را بشنوند. در مراتبی دیگر محافظه کاری مانندد دوره ای به جان عده‌ای از اینان می‌افتد، تا آنها نیز فریاد خود را تنها برای جلسات هیئت و یا راهپیمایی‌ها نکه دارند! محافظه کاری که به تعبیر امام روحی له الفداء «قتلگاه انقلاب» است، وسیله‌ای می‌شود تا این جماعت نیز برای انقلاب خطرناک تلقی شوند، و انقلاب را به مسلخ ببرند.

امروز با جریان خطرناکی روبرو هستیم به نام«ساکتین مبارزه با فقر، فساد و تبعیض». اصلاح و بر خورد با این دسته از ساکتین مشکل است، چرا که دقیقا همان ظواهر یک انسان انقلابی را دارند، متشرع‌تر از همه تظاهر می‌کنند و گویی خلاف عمل آنان دین ستیزی است. نسخه عملیاتی آنان از اسلام ناب «سرمايه داری + ۱۷ رکعت» است.

حامیان حزب الهی‌های بی‌خطر یا همان ساکتین، نیز مراتبی دارند. عده‌ای که خود متهم و در مقام پاسخگویی هستند، سعی بر ترویج و پرورش چنین افرادی دارند، تا در سنایه ی سکوت و خلوت‌گزینی قشربیون متحجر بتوانند راحت به صندلی قدرت جلوس کنند و به چپاول ثروت بپردازند. گروهی دیگر که برخی جریانات سیاسی به اصطلاح مذهبی یا سازمان‌ها و نهادهای مذهبی هستند، نیز اینچنین حکومت داری را بیشتر می‌پسندند که خود قسیم‌مردم باشند، بجایشان فکر کنند و برایشان تصمیم بگیرند. نهیها! از حکوت اسلامی و علوی اینچنین حکومتداری! حکومت بر مردم آگاه، سیاسی و عدالتخواه جزء لاینفک حکومتداری حضرت علی(ع) و فرزندان آن یعنی امام روح الله و امام‌خامنه‌ای روحی له الفداء می‌باشد.

امام حسین(ع) یک سال قبل از واقعه عاشورا در منا با جمع کردن جمع کثیری از علما و صحابی پیامبر(ص) در خطبه‌ای سراسر شور و شعور، با گوشزد کردن خطر این جریان تاریخی، آنان را از سکوت که نتیجه‌ای جز سقوط ندارد بر حذر داشتند:«خداوند چنین کسانی را کافر خوانده و توبیخ کرده که چرا در برابر بی‌عدالتی و تبعیض و فساد در حکومت و جامعه ی اسلامی ساکت هستید و همه چیز را توجیه و ماستمالی میکنید ورد میشوید؟ چرا سکوت کرده اید?...»

علت آن این است که عده‌ای از شما میخواهید که سبيلتان را چرب کنند و عده‌ای از شما هم می‌ترسید که سبيلتان را دود بدهند. عده‌ای طمع سفره‌دارید و سفره‌ی چرب میخواهید تا بخورید و میگویند که چرا خودمان را به زحمت بیندازیم و با نهی از منکر و انتقاد و اعتراض ریسک کنیم؟ فعلا که بساط‌مان رو به راه است و عده‌ای از شما نیز می‌ترسید. اما مگر در قرآن نمی‌خوانید که فرمود:از مردم نترسید!ز حاکمان و صاحبان قدرت و ثروت نیز ترسید!از من ترسید!»

اگر همین یک اصل امر به معروف و نهی از منکر یعنی نظارت دائمی و انتقاد و اعتراض و تشویق به خیرات و عدالت و مبارزه در برابر ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض اجرا بشود بقیه ی قرائض، تکالیف الهی نیز اجرا می‌شود و همین یک حکم را شما عمل بکنید! ترسید! دنبال دنیا نباشید! سورچران نباشید! اما هیهاات که شما اهل همین یک تکلیف هم نیستید. ولی من هستم.

باید درگیر شوید و با ستمگران، چشم‌در چشم بایستید و بگویید: نه! باید انتقاد و اعتراض کنید و یقه‌شان را بگیرید. شما گروهی که به آدم‌های خوب مشهورید و عالمان دین خوانده می‌شوید، به خاطر خداست که در

نزد مردم هیبت دارید و هم بزرگان و هم ضعفا از شما حساب می‌برند. به نام دین از شما حساب می‌برند و احترام می‌گذارند و شما را بر خودشان ترجیح می‌دهند. در حالی که هیچ فضیلتی بر آنها ندارند. و هیچ خدمتی به این مردم نکرده‌اید. و مردم مجانی برای شما احترام قائل‌اند. شما نسبت به حق ضعفا و محرومین کوتاه آمده‌اید. این حقوق را نادیده گرفته‌اید و سکوت کرده‌اید اما هر چیز که فکر می‌کردید حق خودتان است مطالبه‌کردید. شما نه مالی در راه خدا بذل کردید و نه جانتان را در راه ارزشها و عدالت به خطر انداختید و نه حاضر شدید با قوم و خویش‌ها و دوستانتان به خاطر خدا و اجرای عدالت و اسلام درگیر شوید. با همه ی این کوتاهی‌ها از خدا بپشت را هم میخواهید؟ در حالی که من می‌ترسم خداوند در همین روزها از شما انتقام بگیرد. خداوند از شما انتقام خواهد گرفت.

شمامی بایست این ستمگران و فاسدان را نهی از منکر میکردید و نکردید، و مصیبتتان از همه بالاتر است. چون عالم به دین و اصحاب پیامبر بودید و چشم مردم به شما بود و شما را نماینده ی اسلام می‌دانستند.»

دکتر شریعی

حسین،ضعیفی که باید برای او گریست،نبود...

وجود آن را.

آنها که تن به هر ذلتی می‌دهند تا زنده بمانند، مرده‌های خاموش و پلیس‌تاریخند و ببینید آیا کسانی که سسختاومتندانه با حسین به قتلگاه خویش آمده‌اند و مرگ خویش را انتخاب کرده‌اند – در حالی که صدها گریزگاه آبرومندانه برای ماندنش‌ان بود و صدها توجیه شرعی و دینی برای زنده ماندن شان بود – توجیه و تاویل نکرده‌اند و مرده‌اند، اینها زنده هستند؟ آیا آنها که برای ماندن شان تن به ذلت و پستی،رها کردن حسین و تحمل کردن یزید دادند، کدام هنوز زنده‌اند؟ هرکس زنده بودن را فقط در یک لش متحرک نمی‌بیند، زنده بودن و شاهد بودن حسین را با همه وجودش می‌بیند، حس می‌کند و مرگ کسانی را که به ذلت‌ها تن داده‌اند تا زنده بمانند، می‌بیند. حسین بیشتر از آب‌تشنه‌ی لیبک بود.افسوس که

^[1] به جای افکارش، زخم‌های تنش را نشانمان دادند

^[2] و بزرگترین دردش را بی‌آبی نامیدند

^[3] این که حسین فریاد می‌زند – پس از این که همه عزیزانش را در خون می‌بیند و جز دشمن کینه توز و غارتگر در برابرش نمی‌بیند – فریاد می‌زند که: «آیا کسی هست که مرا یاری کند و انتقام کشد؟» («هل من ناصر یبصرنی؟»؛ مگر نمی‌داند که کسی نیست که او را یاری کند و انتقام بگیرد؟ این «سؤال»، سؤال از تاریخ فردای بشری است و این پرسش، از آینده است و از همه ماست و این سؤال، انتظار حسین را از عاشقانش بیسان می‌کند و دعوت شهادت او را به همه کسانی که برای شهیدان حرمت و عظمت قائلند، اعلام می‌نماید

^[4] مسؤولیت شیعه بودن یعنی چه، مسؤولیت آزاده انسان بودن یعنی چه، باید بدانند که در نبرد همیشه تاریخ و همیشه زمان و همه جای زمین – که همه صحنه‌ها کربلاست، و همه ماهها محرم و همه روزها عاشورا – باید انتخاب کنند: یا خون را، یا پیام را، یا حسین بودن یا زینب بودن را، یا آن چنان مردن را، یا این چنین ماندن را …

حکومت دینی یا دین حکومتی؟!

علی پورمعلم

حسینیه انقلاب بعد از تبیین مسیر انقلاب توسط امام خامنه ای (مد ظله) به سوی تمدن نوین اسلامی، خود را موظف می داند که در این امر مهم قدمی هر چند کوچک بردارد فلذا بانوجه به فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه ما در مرحله دولت اسلامی (حکومت اسلامی) هستیم مباحثی در جهت تبیین آن با اساتید مختلف و با نگاه های مختلف برگزار کردیم. من جمله همین مطلب که توسط استاد رکنی در حسینیه انقلاب اسلامی ایراد شد اما در اینجا خلاصه مطالب استاد آمده که برا دسترسی به مطلب کامل ایشان و اساتید دیگر به وب سایت حسینیه انقلاب با آدرس الکترونیکی hoseynie-engehlab.blog.ir مراجعه کنید.



امراولیان مسئولان حکومت داران وحاکمان باشد. حکومت دینی مایه ی عزت اسلام و مسلمانان است. در دعای افتتاح می خوانیم اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِی ذَوْلِکَ کَرِیْمَۃً خَدایا اَنْ دَوْلَت کَرِیْمَه ات را به ما عطا کن ما منتظر آن دولت کریمه ات هستیم. که چه ویژگی دارد؟ تُعْزِ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا الْبِغَافَ وَاَهْلَهُ مَنَاقِقَ و نفاق دروغ ریا وتظاهر ومنافقین طرد می شوند منفور، بی ارزش و بی مقدار می شوند.

اگر در حکومتی به ویژه ریا تظاهر و دروغ مرتب تکرار شود، رجال مملکتی مثل آب خوردن دروغ بگویند به خلق الله، این مشکل دارد. این حکومت حکومت دینی نیست. حکومت دینی در عمل کف جامعه خودش را نشان میدهد، اینطور نیست که ما گمان کنیم آرم الله بیاید وسط پرچم به جای شیر و خورشید مسئله حل میشود، خیر مسئله بدتر میشود اگر رعایت نکنیم. چرا؟ چون آن بندگان

پیش از انقلاب اسلامی گروههای سیاسی بودند مثل نهضت آزادی مثل جبهه ملی امثال مرحوم بازرگان ها که معتقد به تشکیل حکومت دینداران بودند و نه حکومت دینی. یعنی چه؟ یعنی آقا یک حکومتی تشکیل بشود، دینداران نماز و روزه شان را به جا بیاورند، بی دین ها هم کار خودشان را انجام بدهند کسی کاری به کار کسی نداشته باشه. اوایل انقلاب معروف شدند به لیبرال هایمگفتند آقا این کاباره ها را نبندید، سخت نگیرید کاباره ها باز باشد

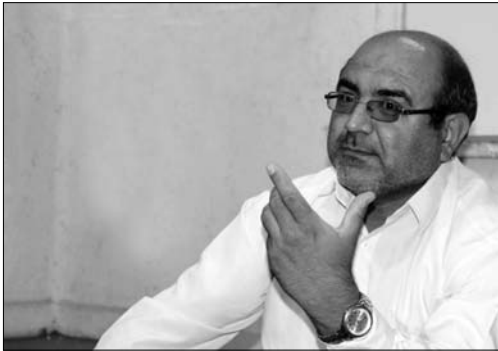
حکومت دینی با حکومت دینداران فرق میکند. پیش از انقلاب اسلامی گروههای سیاسی بودند مثل نهضت آزادی مثل جبهه ملی امثال مرحوم بازرگان ها که معتقد به تشکیل حکومت دینداران بودند و نه حکومت دینی. یعنی چه؟ یعنی آقا یک حکومتی تشکیل بشود، دینداران نماز و روزه شان را به جا بیاورند، بی دین ها هم کار خودشان را انجام بدهند کسی کاری به کار کسی نداشته باشه. اوایل انقلاب معروف شدند به لیبرال هایمگفتند آقا این کاباره ها را نبندید، سخت نگیرید کاباره ها باز باشد

بخشی فعال آموزش و پرورش:

برخی آنقدر مسوولین شجاع نیستند که تصمیم خود را پس بگیرند

سمیرا مردانی

تعریفشان را از دوستان شنیده بودیم، در دیداری که حاصل شد صحت قول دوستانمان برایمان واضح شد. مدت ها بود که متمایل بودیم فردی از دل نظام آموزش و پرورش، روند چند ساله حاکم بر آن را آسیب شناسی کرده و برایمان راجع به بی عدالتی در نظام آموزش و پرورش سخن بگوید. پس از تحقیق بالاخره به آنچه می خواستیم رسیدیم: صدای مردم میزبان آقای بخشی مدیر مدرسه غیر دولتی شاکریان با چهره ای متبسم، رویی گشاده در یکی از کلاس های آن مدرسه شد. ایشان که از فعالین تربیتی شهر شیراز در ۱۵ سال اخیر هستند، سخنان دقیق و مهمی داشتند که در ادامه مشروح آنرا خواهید خواند:



* به نظر من، اگر جامعه ما می خواهد جامعه درستی بشود همانطور که ارگانهای امنیتی و نظامی و انقلابی به طور ویژه نیروهایشان را شناسایی می کنند و در واقع چهره به چهره شناسایی و معرفی می شوند، برای گزینش یک معلم هم باید اینگونه عمل بشود. سوال من این است که آیا اهمیت نقش یک معلم در جامعه واضح نیست؟ اگر موضوع روشن است پس چرا پذیرش معلمین به سهولت انجام میگیرد و به ملاک هایی چون باورهای اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی توجه چندانی نمی شود؟ در مدارس غیر دولتی کافی است که موسس مدرسه شخصی را حداقل از نظر آموزشی برای مجموعه خودش مناسب تشخیص بدهد بعد از آن به راحتی هر چه تمام تر گزینش معلم صورت می گیرد. در مدارس دولتی به خاطر مصوبه مجلس شورای اسلامی که نیروهای حق التدریس و آموزش یاران نهضت سواد آموزی باید استخدام شوند، در چند سال اخیر شاهد افزایش تعداد معلمین بودیم که همین نیروهای مازاد که هیچ کار و تعریفی در آموزش و پرورش ندارند، بیشترین هزینه را بر دولت و کشور تحمیل می کنند. بنده احترام زیادی برای آموزش یاران نهضت سوادآموزی قائم اما واقعت آن است که تعداد بسیاری از آموزش یاران جذب شده در آموزش و پرورش و مدارس، قابلیت و توانمندی لازم را نداشته و ندارند.

صدای مردم: آموزش یاران نهضت سوادآموزی چه کسانی هستند؟ لطفاً

«حکومت دینی یا دین حکومتی» به عنوان یک سوال مطرح می شود، که میتواند تحت عناوین دیگری چون: حکومت اسلامی یا اسلام حکومتی، انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی، جمهوری اسلامی و اسلام جمهور یا اسلام جمهوری مطرح شود، در مجموع به لحاظ موضوعی تفاوت چندانی ندارد. در «حکومت دینی یا دین حکومتی» منظور دین اسلام است. حکومت دینی به لحاظ واژگانی حکومتی است که باید دین را پیاده کند. به عبارت دیگر هدف اصلی و فلسفه اصلی حکومت دینی عملی کردن اصول و فروع دین در زندگی مردم است. وهدف دین حکومتی استفاده از دین جهت تحکیم قدرت است. یعنی در حکومت دینی غایت دین است و در دین حکومتی غایت قدرت یا حکومت است. تفاسیر مختلفی هم طبیعتاً میشود. اما ویژگی های حکومت دینی، امام علی (ع) مناجات کوتاهی دارند که در خطبه ی ۱۳۱ کسب البلاغه آمده است؛ خدایا این جنگ ما برای کسب قدرت نیست، برای دنیا نیست، بلکه برای بازگشت به اسلام راستین است. بِنِدْوَةِ اَلْمَعَالِمِ مِنْ دِیْنِکَ وَ تَنْظِهِرِ الْاِصْلَاحِ فِی پِلَادِکَ، برای اصلاح و آبادانی در شهرها، برای برقراری رفاه اجتماعی، یک پناهگاه و منزلت و مواویب باشد برای محرومان تو، مخصوصاً بندگان محروم و مظلومت آنها، که مورد ستم واقع شدند مخصوصاً مستضعفین. این بعد کاملاً دنیوی و اخروی تشکیل حکومت هاست. مردم در چهار چوب حکومت دینی باید حداقل های رفاه اجتماعی را داشته باشند. باید این حکومت پناهگاه باشد نه اینکه حکومت بر گرده ی مردم بالاصح مستضعفین سوار شود. امام علی (ع) می فرمایند: عدل باید نور چشم سران،

صدای مردم: به عنوان فردی که سالها در بدنه آموزش و پرورش مشغول به خدمت هستم وضعیت فعلی آموزش و پرورش را چگونه ارزیابی می کنید؟ از دید شما چه نواقصی در این سیستم وجود دارد؟ * گاهی برخی مسائل از پستو ها بیرون کشیده و روشن گری می شود اما بعضی مسائل دیگر، آنقدر واضح است که به عنوان مشکل به چشم نمی آید. لازم هست شبیه همان حکایت پادشاه لخت و کود، آن را فریاد بزنیم. مسائلی هست که تبعات فرهنگی و تربیتی سنگینی برای نظام جمهوری اسلامی و کشورمان دارد. یکی از آنها عدم رعایت معیار و شاخص های اسلامی و تربیتی در گزینش معلمین است که تأثیر مخربی به دنبال دارد. فرزندانمان را به دست کسانی می سپاریم که ابتدایی ترین فیلتر لازم برای به خدمت گرفتن یک نیرو تحت عنوان مربی، در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران که هدفش پرورش انسانهایی در تراز انقلاب اسلامی است، در نظر گرفته نشده است.

تا مربی خوب نباشد از کار معمولی نتیجه معمولی و سطحی، خواهیم گرفت و خروجی کار ما جز آدمهای ضعیف نخواهد شد. متأسفانه در انتخاب مربی و معلم سلیسسته سالاری منظور نمی شود و این مهم آسیبش برای آینده جمهوری اسلامی ایران بسیار است.

یکی از مواردی که درباره اش می خواهیم بگویم، گزینش معلم در مدارس غیر دولتی، بالأخص در سپردن پسران رده بالای مقطع ابتدایی، یعنی مقطع ششم است که تا چند سال پیش اول راهنمایی بودند اما حالا کلاس ششم هستند. معلمین قریب به اتفاق برای این مقطع خانم های جوان هستند که طبیعتاً مواجهند با مسایل پیچیده ای که پسران در این سن با آن درگیرند. به نظر من همین مسئله سپردن دانش آموزان پسر مقطع ششم به معلمین خانم - که طبق سند تحول انجام شد - آثار و تبعات بدی را در آینده برای جامعه ما خواهد داشت.

صدای مردم: ممنون می شوم درباره سند تحول بیشتر توضیح بدهید. * اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ سند تربیت در جمهوری اسلامی ایران توسط عده ای از متخصصین حوزه و دانشگاه زیر نظر شورای آموزش و پرورش تدوین شد و پس از آن به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید تا به عنوان یک سند و شاخص برای تحول در آموزش و پرورش که در واقع برگرفته از سند فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی است، اجرایی بشود. سند تحول میخواید ذیل نظام تربیت، در بخش های راهبری آموزشی در برنامه درسی، تربیت معلم، تربیت مربی و امکانات و ابزارها، ساختاری بسازد که خروجی مناسبی برای نظام جمهوری اسلامی داشته باشد.

اضافه شدن کلاس ششم یکی از بخش های تحول بنیادین در آموزش و پرورش است که توسط متخصصان این حوزه تدوین گشت و هدف آن تأمین مطالبات امام خمینی (ره) و حضرت آقا بعد از انقلاب اسلامی در نظام تعلیم و تربیت بوده است. اما این موضوع سالها مورد غفلت واقع شد و در سالهای اخیر این طرح بدون توجه به زمینه های لازم جهت اجرای آن، وارد عرصه عمل و اجرا شد شدن. متأسفانه با تصمیمات و برخی کارهای عجولانه آموزش و پرورش، طرح به درستی اجرا نگردید که بالتبع آسیب هایی برای پیکره تربیتی و فرهنگی جامعه ما ایجاد خواهند نمود.

صدای مردم: در خصوص نحوه گزینش معلمین انتقاداتی داشتید، به نظر شما چه روشی در انتخاب معلم و مربی باید اتخاذ شود؟

صلوات بر محمد و آله

ماهنامه سیاسی - اجتماعی جنوب کشور شماره هفتم * مهر و آبان سال ۱۳۹۴

فرهنگ

ایستادگان تاریخ

برای همین مردم هم است که انقلاب شده

هیچ وقت ندیدم پشت میز بنشیند، یک قلم و کاغذ دستش بود و احتیاجات مردم را در هر جایی که بود، می نوشت می گفت: من را بخشداری صدا نزنید، من برادر کوچکتر شما هستم به من بگویید ناصر، برادر فولادی.

برای اتمام ساختمان بخشداری به سیمان نیاز داشتیم. یک روز دو کامیون سیمان به بخشداری آوردند، ولی کارگر نداشتیم تا سیمان ها را خالی کنیم. ناصر دست به کار شد و شروع کرد به خالی کردن کیسه های سیمان. وقتی دو کیسه سیمان روی شانه هایشان گذاشت، یکی از راننده ها پرسید: این کارگر کیه که این قدر خوب کار می کند؟ گفت: بخشدار منطقه!

چند نفر از روستایی ها با پای برهنه کنار جاده ایستاده بودند. ناصر که پشت فرمان ماشین نشسته بود، کنارشان ایستاد و سوارشان کرد تا به مقصد برساندشان. از محلی که باید پیاده شان می کرد، گذشتیم. روستایی ها که خیال می کردند ما قصد اذیت کردنشان را داریم، شروع کردند به بد و بیراه گفتن و فحش دادن به ناصر. برگشت و آن ها را در جایی که می خواستند، پیاد کرد کمی آن طرف تر، ایستاد و شروع کرد به گریه کردن. پرسیدم چی شده؟ از این که جلوی من بهت فحش دادند، ناراحتی؟ اشک هایش را پاک کرد و گفت: نه! از این ناراحتم که در ایران چنین افراد محرومی داریم. من فحش های این ها را به جان می خرم و از خدا می خواهم به من توفیق دهد تا در خدمت مردم محروم باشم. داشتیم گندم درو می کردم. آقای بخشدار آمد به طرفم، دستم را گرفت و من را به طرف خودش کشید. دستم را بوسید و گفت: من باید دست تو را روی چشم هایم بگذارم. به گفته پیامبر، دستی که زحمت می کشد، نمی سوزد.

قرار بود یک جاده ده کیلومتری را با پای پیاده طی کنیم. گفتیم: آقای فولادی راه زیاد است توانش را دارید که بیاید؟ گفت: بله! من باید به کارهای مردم رسیدگی کنم، خدا این مسئولیت را بر گردن من گذاشته و من هم باید انجامش دهم. ساعت ها در یک راه صعب العبور پیاده روی کردیم تا به یک روستا رسیدیم، رفت وسط مردم روستا و به کار همه رسیدگی کرد. یکی از اهالی روستا جلو آمد و از ناصر خواست که برایش کاری انجام بدهد، ولی انجام آن کار در توانش نبود. یک گوشه نشسته بود و گریه می کرد، گفتم آقا ناصر! چی شده؟ چرا ناراحتی؟ سسرش را بالا آورد و با چشم های خیس گفت: من نمی توانم خواسته این مرد را برآورده کنم. گریه ام برای این است که در برابر خواسته این بنده خدا ناتوانم.

تعدادی از مردم روستاهای منطقه به بخشداری شکایت کرده بودند که آب منطقه تأمین نیست و بخشداری باید یک نفر را به عنوان مسئول مستقیم آب تعیین کند. ساعت هفت شب توی بخشداری جلسه گذاشت و از بین مردمی که به بخشداری آمده بودند فقیرترینشان را به عنوان مسئول تقسیم آب انتخاب کرد. مردم وقتی دیدند ناصر یک مرد فقیر را انتخاب کرده زدنند زیر خنده و او را مسخره کردند رو کرد به مردم و گفت: آقایان! حکومت، حکومت مستضعفین است. برای همین مردم هم است که انقلاب شده.

شهید ناصر فولادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

